

# نامه مردم

ارکان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۱۴  
چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۲ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

## دورصفحات بعد

نورالدین کیانوری  
«پرسش و پاسخ»

شخصیت‌های خلقی  
و ضد امپریالیست نباید با  
لیبرال‌ها در یک صف قرار گیرند  
صفحه ۳

## استقلال

نباید گذاشت که اربابان و لیبرال‌ها با  
اعمال فشار جلوی کار هیئت ۷ نفری را  
بگیرند  
صفحه ۵  
در کارگاه‌های صابون‌پزی چه می‌گذرد  
صفحه ۴

لئونید برژنف:  
سیاست اتحاد شوروی،  
دفاع از صلح و همکاری  
صلح آمیز با دیگر خلقهاست  
صفحه ۸

# همه چیز برای مردم و در خدمت مردم

سخنان امام خمینی، در جمع استانداران کشور، تبلور دیگری از چهره‌ی تمام‌انسانی امام، عشق خدشه‌ناپذیر او به مردم، پیوند درونی‌اش با توده‌های مستضعف و دلسوزیش برای کوششگران بود. امام خمینی در سخنان خود بر ضرورت پیوند میان حکومت و مردم تأکید کردند، که جز از راه خدمت به مردم میسر نیست. امام خمینی در اشاره به رژیم‌های ضد خلقی قاجار و پهلوی گفتند: «آن چیزهایی که اسباب ضعف دولت و جدایی مردم از دولت بود، عسارت است از کیفیت عمل دستگاهها».

امام خمینی به استانداران توصیه کردند که: «حکومت از بالا گرفته، از رئیس‌جمهور تا بخشدار باید در خدمت ملت باشد. اگر اینها در خدمت ملت نباشند، باز کم‌کم همان خواهد شد که در زمان آنها شد».

یعنی فقدان اعتماد، پیدایش کسبختی میان حکومت و خلق

و پیامدهای آن. امام خمینی به استانداران رهنمود دادند که: «بروید در بین مردم، جدا نشوید از مردم... هم صلاح خود شما، هم صلاح کشور شما و هم صلاح ملت است که شما با مردم دوست باشید».

مردم ایران طی‌نسل‌ها جدا از حکومت و در خوف از حکام و زمامداران بسر برده‌اند. در سایه‌ها سیر کرده و بارهای پرشکنجه فقر و محرومیت و بیسوادی را بر دوش کشیده‌اند. فقط بررسی تاریخ ۵۰ سال اخیر کشور ما نشان‌دهنده کج‌حکومت خاندان پهلوی، پرورش یک کله‌گرگ خونخوار بود که تروت ما را به پینا برده، خود خورد و به اربابان امپریالیست خود خوراند. حکومت یک پانده دزد و غارتگر بود که با شیوه‌های استبدادی حکومت، یعنی توسل به چاق، فاصله‌های وحشتناک میان خود و مردم بوجود آورد. این خاندان‌ننگ نه‌برای کشورداری

که برای نفارت و سرکوب ما آمده بود، و مردم که حکومت را چاق استعمارگران خارجی بر سر خود میدانستند، همواره در اندیشه‌ی عمل، شیوه‌های کون‌کون مبارزه با این رژیم وابسته ضد مردمی را می‌آزمودند.

سرانجام حمله خلق بر پاروی زمامدار مستبد و دست‌نشانده به هدف نتست. انقلاب شکوهمند مردم از میان جویبارهای سرخ خون شهیدان به پیروزی رسید و تسم بر لبهای مردم مستکفیده شکوفه کرد.

به رهبری امام خمینی، نظام جمهوری اسلامی ایران ثابت پرافتخار، که نظامی خلقی و درآشنا بود. امامت‌سازانه استقرار لیبرالها بر رأس امور، موجب آن شد که همه اقدامات ضرور در راستای تطور و دگرگونی انقلابی و زندگی مردم، به‌توق افتد. ماهها از حیات گرانقدر انقلاب به تملک گذشت و کوشش بیروان سیاست دگام به گام‌ها در

## دوستی اتحاد شوروی و هند یکی از عوامل مهم حفظ صلح جهان است

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت‌رئیس‌شورای عالی اتحاد شوروی روز دوشنبه ۱۷ آذر دیدار رسمی خود را از هند آغاز کرد. وی در جریان این سفر (نخستین سفر لئونید برژنف به هندوستان هفت سال پیش صورت گرفت) با مقامات رسمی و شخصیت‌های برجسته هند درباره مهم مسائل بین‌المللی و مناسبات میان دو کشور به گفتگو خواهد پرداخت.

مناسبات میان اتحاد شوروی و هندوستان، بدرستی نمونه‌ی بارزی از روابط دو کشور دارای نظامهای اجتماعی مختلف، در چارچوب اصل همزیستی‌مسالمت آمیز، توصیف شده است. هند سالهاست که پایبندی سیاست عدم تمسخر و در واقع درست‌ملت اصالت این سیاست و پیوند ذاتی آن با مناسبات صلح‌آمیز است. استقلال‌طلبانه و صلح‌جویانه این

کشور، پیوسته برای مناسبات خود با اتحاد شوروی اهمیت ویژه قائل بوده است.

آخرین گزارش سالانه وزارت خارجه هند، با اشاره به سفر آندره گرومیکو، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی به دله‌نوس، در زمستان سال پیش، تأکید میکند، که «گسترش مناسبات میان هند و اتحاد شوروی به پیشبرد مصالح درازمدت تحکیم صلح و ثبات منطقه کمک می‌سازد».

در آستانه سفر لئونید برژنف به هند، خانم ایندیرا گاندی، نخست‌وزیر آن کشور گفت: «دوستی با شوروی برای هند یک مسئله اصولی است، و دو کشور مصمم هستند این دوستی را تحکیم و گسترش بدهند».

وی همچنین افزود: «دوستی اتحاد شوروی و هند یکی از عوامل مهم حفظ صلح جهان است».

سیاست خارجی هند در دهه‌های اخیر، با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی منطقه و سایر کشورهای دوستی و همکاری انعقاد یافت. در پیرو این قرارداد مناسبات و همکاریها میان این دو کشور در همه گستره‌ها توسعه پذیرفته است. برای نمونه، در سالهای پیش، اتحاد شوروی به تأسیس بیش از هفتاد موسسه بزرگ صنعتی در رشته‌های کلیدی اقتصاد ملی هند پرداخته است. چنانکه انتظار میرفت، در

مسائل بین‌المللی مربوط به صلح و استقلال و آزادی خلقها، با سیاست خارجی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی منطقه و سایر کشورهای دوستی و همکاریها میان این دو کشور در همه گستره‌ها توسعه پذیرفته است. برای نمونه، در سالهای پیش، اتحاد شوروی به تأسیس بیش از هفتاد موسسه بزرگ صنعتی در رشته‌های کلیدی اقتصاد ملی هند پرداخته است. چنانکه انتظار میرفت، در

آستانه سفر لئونید برژنف به هند، خانم ایندیرا گاندی، نخست‌وزیر آن کشور گفت: «دوستی با شوروی برای هند یک مسئله اصولی است، و دو کشور مصمم هستند این دوستی را تحکیم و گسترش بدهند».

وی همچنین افزود: «دوستی اتحاد شوروی و هند یکی از عوامل مهم حفظ صلح جهان است».

سیاست خارجی هند در دهه‌های اخیر، با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی منطقه و سایر کشورهای دوستی و همکاریها میان این دو کشور در همه گستره‌ها توسعه پذیرفته است. برای نمونه، در سالهای پیش، اتحاد شوروی به تأسیس بیش از هفتاد موسسه بزرگ صنعتی در رشته‌های کلیدی اقتصاد ملی هند پرداخته است. چنانکه انتظار میرفت، در

## دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

### دلوران انقلاب ضربات جدیدی بر دشمن متجاوز وارد آوردند

دشمن همچنان وحشیانه مناطق مسکونی شهرها را بمباران میکند.

نبرد مدافعان انقلاب بر علیه مزدوران متجاوز صدام در تمام جبهه‌ها با شدت ادامه دارد.

خبرنگار خیرگزار یارس در اهواز، به نقل از یک مقام بلندپایه نظامی گزارش داد: دوشنبه، بوسیله دلوران و رزمندگان هوانیزو، توپخانه و یگانهای لشکر اهواز در جبهه‌های ملیحان، آب‌تیمور، کرخه‌کوره، الله‌اکبر و بستان، ۴ عراده توپ، ۴ دستکاه خودرو، ۲ انبار مهمات، ۴ تیربار ضد هوایی و ۲ لرد نیروهای دشمن را منهدم و تعدادی از نیروهای مزدور کشته و تعدادی زخمی شدند.

همین گزارش حاکیست که تلفات نیروهای انقلاب ۳ شهید و ۶ نفر مجروح بوده است.

به گزارش دفتر مرکزی خبر از اهواز: خلبانان هوانیزو، ساعت ۱۰ صبح دوشنبه، مواضع دشمن را در شمال غربی سوسنگرد مورد حمله قرار دادند.

بر طبق همین گزارش، رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران دوشنبه صبح مواضع دشمن را در جنوب سعدون‌جمودی، در منطقه سوسنگرد زیر آتش شدید توپخانه و خمپاره قرار دادند، که موجب تلفات زیادی به دشمن شد. نیروهای متجاوز عراقی از ساعت ۱ بعد از ظهر دوشنبه شهر سوسنگرد را زیر آتش توپخانه خود قرار دادند که منجر به خساراتی شد و ۲ تن از عناصر منطقه شهید شدند. برادران سپاه پاسداران و ژاندارمری دوشنبه صبح در یک یورش پارتیزانی، که بمدت ۵ ساعت بطول انجامید، توانستند ۱ کامیون و چند سترک انفرادی، ۲ چادر مهمات و ۱ توپ ضد هوایی دشمن را منهدم و قریب ۱۵۰ نفر از قوای صدام‌حسین را به هلاکت رسانند. مدافعان انقلاب در جریان این حمله تلفاتی نداشتند.

گزارش خبرنگار خیرگزار یارس از جبهه‌های آبادان حاکیست: عصر دوشنبه رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران با آتش توپخانه سنگین، به آتش نیروهای دشمن بخصوص در جبهه جنوب‌شهر، پاسخ گفتند که از تلفات دشمن و نیز نیروهای انقلاب آماری در دست نیست.

به گزارش خیرگزار یارس شهر آبادان روز دوشنبه نیز هدف خمپاره‌های دشمن متجاوز قرار داشت که در نتیجه عده‌ای شهید و تعدادی مجروح شدند.

همین گزارش حاکیست که رزمندگان کبک‌های انقلاب در قسمت صیبه در یک نبرد شدید یک سترک اجتماعی و یک توپ ۱۰۶ میلیمتری و یک سترک تیربار دشمنان انقلاب را نابود کردند و حداقل ۵ نفر از مزدوران را به هلاکت رسانند.

به گزارش خبرنگار خیرگزار یارس دشمنان انقلاب شهر دزفول را روز دوشنبه زیر آتش خمپاره قرار دادند، که در نتیجه یک نفر از هم‌میهنان دزفولی شهید شد.

در جبهه‌های غرب

به گزارش خیرگزار یارس، بر طبق اخباری که از جبهه‌های غرب کشور تا ساعت ۲۱ دوشنبه رسیده است، در تمام جبهه‌های غرب نبرد بین مزدوران متجاوز و نیروهای انقلاب ادامه داشت و در جبهه‌های ذهاب و قسرسیرین نبرد با آتش توپخانه و سلاحهای سنگین و خمپاره‌انداز جریان داشت. در گیلان- غرب یک گروه از پاسداران انقلاب و بسیج مستضعفین و همچنین بسیج عشایری، تحت حمایت توپخانه به عملیات رویاروی در خط مقدم جبهه ادامه دادند.

گزارش خیرگزار یارس از جبهه غرب حاکیست که بر اثر اصابت گلوله توپ آنتی‌تیرهای جمهوری اسلامی ۲ خودروی حامل سوخت دشمن در مسیر جاده گیلانغرب - ۳ راهی نفتشهر به آتش کشیده شد. نبرد در جبهه‌های سومار و ذله‌زرد به شدت ادامه داشت.

اطلاعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ارتباط با عملیات ۳ روز اخیر (۱۵ و ۱۶ و ۱۷ آذر) صادر شد. در این اعلامیه از جمله آمده است:

«جان‌پرکشان پاسدار، که اصالت تکبانی و تدارم انقلاب را به بهای شهادت برعهده

بقیه در صفحه ۴

## اعلامیه اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق: دانشجویان عراق برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری در عراق می‌رزمند

تنها پرئنه جنگ تجاوزکارانه رژیم دیکتاتوری عراق علیه ایران، امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و نیروهای ارتجاعی هستند

عراقی و نیروهای میهن‌دوست و ترقیخواه عراق، که از انقلاب خلقی ایران، بویژه مبارزه آن با امپریالیسم، بسرکسردگی عمل می‌آوردند، مواجه بود. جنگی که آغاز شده هم‌اکنون ادامه دارد، ضایعات انسانی و اقتصادی فراوانی به بار آورده است. حاصل جنگ برای خلق‌های دو کشور همسایه ایران و عراق جز تلفات و دشواری‌های فراوان چیز دیگری نیست. تنها برنده جنگ امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و نیروهای ارتجاعی هستند، زیرا جنگ بطور عمده تأمین‌کننده منافع آنها است و به اهداف تجاوزکار آنها، از جمله طرح افزایش تنشجات و تهدید صلح و امنیت منطقه و جهان، کمک می‌کند.

اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق، ماجراجویی تجاوز از نظامی رژیم بغداد را فسل‌نویسی از سیاست‌های نابخردانه این رژیم ارزیابی می‌کند که با منافع خلق ما و کل جنبش‌های رهایی‌بخش ملی اعراب در مبارزه برای آزادی و ترقی اجتماعی مغایر است. به عقیده اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق، جنگی که رژیم بغداد آغاز کرده، به توطئه کمپ دیوید کمک می‌کند و آن را از انزوا خارج می‌سازد. این جنگ همچنین کاملاً با منافع خلق عرب فلسطین و امرعادلانه

دانشجویان و جوانان عراقی به مبارزه نیروهای ملی و ترقیخواه عراق برای سرنگونی دیکتاتوری می‌پیوندند. این تنها راهی است که می‌تواند از ریزش و تلفات بیشتر جانی درمیان ما جلوگیری کند.

«اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق، همسازمانهای دوست و برادری به، حکوم کردن قاطعانه جنگ‌ویرانگری که رژیم دیکتاتوری بغداد آغاز کرده، فرا می‌خواند.

«اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق، طلب می‌کند که از طریق کوششهای همه‌جانبه، جنگ برادرکنشی متوقف گردد و راه حل مسالمت‌آمیزی که تأمین‌کننده منافع دو خلق دوست از بحران داخلی در کشور ازبایی می‌کند. این ماجراجویی همچنین نمره چاپ‌طلبی‌های دیکتاتوری است که می‌خواهد نقش شاه سابق ایران را در خلیج فارس ایفاء کند.

هزاران دانشجو و جوان عراقی، که از حق تحصیل و اشتغال محروم می‌شوند و اجباراً به این جنگ احمقانه کشانده می‌شوند، قاطعانه جنگ را محکوم می‌کنند.

دانشجویان و جوانان عراقی به مبارزه نیروهای ملی و ترقیخواه عراق برای سرنگونی دیکتاتوری می‌پیوندند. این تنها راهی است که می‌تواند از ریزش و تلفات بیشتر جانی درمیان ما جلوگیری کند.

«اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق، همسازمانهای دوست و برادری به، حکوم کردن قاطعانه جنگ‌ویرانگری که رژیم دیکتاتوری بغداد آغاز کرده، فرا می‌خواند.

«اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق، طلب می‌کند که از طریق کوششهای همه‌جانبه، جنگ برادرکنشی متوقف گردد و راه حل مسالمت‌آمیزی که تأمین‌کننده منافع دو خلق دوست از بحران داخلی در کشور ازبایی می‌کند. این ماجراجویی همچنین نمره چاپ‌طلبی‌های دیکتاتوری است که می‌خواهد نقش شاه سابق ایران را در خلیج فارس ایفاء کند.

هزاران دانشجو و جوان عراقی، که از حق تحصیل و اشتغال محروم می‌شوند و اجباراً به این جنگ احمقانه کشانده می‌شوند، قاطعانه جنگ را محکوم می‌کنند.

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# بمناسبت شکست انقلاب گیلان در آذرماه ۱۳۰۰ تفرقه نیر و هامو جب شکست انقلاب گیلان شد

در آذرماه سال ۱۳۰۰، یکی از برجسته ترین جنبشهای انقلابی ضدامپریالیستی در تاریخ معاصر ایران شکست خورد. غیر از چند قلزم انگشت شمار (چون سناتور و وزیر جنگ رژیم منور آریامیری، سپهبد امان الله میرزا جهانبانی و یا تاریخ نویس خادم امپریالیستها جان مارلق) اکثریت عظیم نویسندگان ایرانی و خارجی که به مناسبتی از انقلاب گیلان یاد کرده اند، آنرا ارج نهاده اند. ولی صحبت بر سر چگونگی ارزیابی است. پیشک خصوص آشکار آن ۳۲ قلم بدست نیست به انقلاب گیلان، بازتاب مستقیم موضع گیری طبقاتی آنراست، که در نظر هواداران جنبشهای دهائی بخش ملی و ضدامپریالیستی میتواند فقط افتخاراتین باشد.

انقلاب گیلان (۱۲۹۶ - ۱۳۰۰) بسرکردگی میرزا کوچک خان جنگلی، بخش مهمی از سومین دوره (پس از «قیام تنباکو» و انقلاب مشروطیت ایران) اوج جنبش دهائی بخش ملی ضدامپریالیستی مردم ایران بود. آتش جنگ چنانسوز امپریالیستی (۱۲۹۳ - ۱۲۹۷)، علی رغم اعلام بیطرفی، سراسر ایران را فرا گرفته بود. دو گروه دولت های امپریالیستی «متحدین» و «متفقین» از هر سو کشور را به میدان تاخت و تاز خود مبدل کرده بودند. وضع زندگی توده های مردم زحمتکش درائی چپاولگری امپریالیستهای تجار و کار طاقت فرساتر شده بود. دولت مرکزی کاملاً آلت دست امپریالیسم و مجری سیاست استعماری آن شده بود، لیکن توده های زحمتکش مستضعف در گوشه و کنار کشور مقاومت میکردند.

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت در روسیه زنجیر اسارت امپریالیستی را، که گردن مردم ایران را سخت می فشرد، از یکسو پاره کرد. بجای دولت تزاری در روسیه، دولت شوروی بوجود آمد، که هوادار اصولی و پشتیبان جدی استقلال و آزادی خلق ها، جنبشهای دهائی بخش ملی، دمکراتیک و ضدامپریالیستی بود. سقوط تزاریسم روسیه، پیروزی نخستین انقلاب سوسیالیستی جهان و اندیشه های آزادی بخش سوسیالیسم علمی، الهام بخش انقلابیون ایران شد. جنبشهای انقلابی، بویژه در گیلان بر رهبری میرزا کوچک خان، در آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی، در خراسان بر رهبری گلعلی محمد تقی خان بیجان اوج گرفت.

از قیام مشهور «شیران تنگستانی» در سالهای جنگ اول جهانی در جنوب ایران تا انقلابهای گیلان، آذربایجان و خراسان در شمال، همه از درون مقاومت قهرمانانه خلق رزمنده برخاست، از توده های مردم نیرو میکرفت و هدف مشترکی را دنبال میکرد: نجات از مظالم امپریالیسم جهانخواه و رژیم طاغوتی شاهنشاهی، رهائی از جور و ستم ملی و اجتماعی، تحصیل استقلال و آزادی و رفاه همگانی. همه این جنبشهای انقلابی دشمن مشترکی داشتند همدست، که همانا امپریالیسم

ورد ارتش نوپناده شوروی در تعقیب نیروهای تجار و کار انگلیسی (که از خاک ایران گذشته به سرکردگی ژنرال دسترویل به پاکو هجوم کرده بودند) به بندر انزلی (اردیبهشت ۱۲۹۹) شرایط مساعد، جهت پیروزی جنبش و اعلام حکومت جمهوری شوروی» را در گیلان (خرداد ۱۲۹۹) فراهم کرد. بعد از این پیروزی، یعنی رهائی موقتی از چنگال تجاوز نظامی امپریالیسم انگلیسی (فرار ارتش دسترویل از ایران) و اخراج دست نشاندهگان عمده ایرانی. آن از گیلان، ظاهراً مقصد مشترک همه نیروهای چهارگانه فوق بدست آمده بود. اما در باطن، دشمن مشترک از برای ننشسته و توطئه نفوذ در صفر فیزیکی نیروهای دمکراتیک و ایجاد تفرقه و نفاق را طرح ریزی کرد. ناهمگونی ساختار اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و اندیشه ای گروه ها، زمینه مناسب برای این توطئه خصم شد. تاریخ نویسانی که بر رویدادهای جزئی بیشتر از قانونندنیهای تکامل تاریخی جامعه توجه دارند، بقدر کافی خیانت عمال ارتجاع و امپریالیسم چون میرزا بوطالب ها، رحیم «شیشه بر» ها، سید جلال چینی ها، شیخ محمد فومنی ها، حاجی احمد کسائی ها، و دیگران را افشا کرده اند. اینگونه عناصر بودند که با استفاده از فرصت، آتش تفرقه و نفاق بین گروه های فعال نبشت را دامن زدند و تدریجاً کار را بجائی رساندند که در عرض مدت یکسال و نیم، ۳ مرتبه حکومت انقلابی در گیلان تغییر کرد. میرزا کوچک خان حتی به مصلحت اندیشی شخصیتی چون سید حسن مدرس گوش فرانکرد و با کمال تاسف بالاخره در دام نفاق افکنان افتاد. وحدت به تفرقه و نفاق، همکاری به کارشکنی و بالاخره دوستی به خصومت و دشمنی تبدیل شد. ابتدا یکی از پایه گذاران سوسیال دمکراسی انقلابی (در دوره انقلاب مشروطیت) و بانیان حزب کمونیست ایران (در تیرماه ۱۲۹۹) حیدرخان عسوافغلی بدست مفسدین و چنانیکاران بقتل رسید (۱)، سپس کوچک خان در حال گریز از چنگال نیروهای اعزامی از تهران تلف شد، احسان الله خان فراری و خالوقربان تسلیم ارتجاع ایران شد.

و طبقه استعمارگر حاکم و مستکبر بود. مرانامه ای که به «جنگلیها» منسوب است و اهداف مشخص نبشت را معین کرده است، با این مقدمه کوتاه آغاز میشود: «آسایش عمومی و نجات طبقات زحمتکش ممکن نیست مگر به تحصیل آزادی حقیقی و تساوی افراد انسانی بدون فرق نژاد و مذهب در اصول زندگی، و حاکمیت اکثریت بوسیله منتخبین ملت، یعنی صرفت این مقاصد را فرقه «اجتماعیون» بپوارد ذیل تعقیب مینمایند».

و سپس فصول ۹ گانه مرانامه آمده است، که روح دمکراتیک و خلقی آنرا بخوبی نمکس میکند. اسنادیکه از جنبشهای انقلابی و ضدامپریالیستی آذربایجان و خراسان در دست است، در عین اینکه بازتاب ویژگیهای هر جنبش است، تعقیب مقاصد نظیر و مشترک را از جانب همه این نبشتها بخوبی نشان میدهد. این اسناد، که اغلب منتشر شده اند، به نحوی آشکارا پذیر نشان میدهد که «اجتماعیون» و «اجتماعیون عامیون» (هواداران سوسیالیسم علمی در ایران) نقش فعالی در همه این نبشتها داشته اند. همین اسناد حاکی از آنست که روحانیت تمسب و مبارز در رهبری این انقلابها (بویژه در گیلان و آذربایجان و در راس جنبش) قرار داشته اند.

پیروزی انقلاب گیلان پیش از هر چیز مرهون اتحاد همه نیروهای اجتماعی بود که بطور عمده در چهار گروه جمع شده بودند:

- ۱- «جنگلیها» بسرکردگی میرزا کوچک خان، که از تبهستان و خرده بورژوازی، شهر و ده تا بازرگانان و مالکان تشکیل میشد،
- ۲- سوسیال دمکراتهای انقلابی ایران (اجتماعیون عامیون عدالت) که بیشتر به زحمتکشان، کارگران و پیشه وران شهر و ده متکی بودند،
- ۳- روشنفکران مترقی و انقلابی بر رهبری احسان الله خان،
- ۴- کشاورزان مزدور به رهبری خالوقربان.

علل عمده شکست انقلاب گیلان: علل عمده شکست انقلاب گیلان را میتوان بشرح زیرین خلاصه کرد: ۱- شرکت موثر در رهبری نیروهای محرکه انقلاب با نمایندگان طبقات و اقتدار خرده بورژوازی شهر و روستا، بازرگانان و مالکان لیبرال و روشنفکران دمکرات منشن بود. که اکثریت قاطع این نیروها، بر حسب ماهیت اجتماعی خود، فاقد طبیعت انقلابی، متایل به سازشکاری، مسامحه و ممانعت بودند. ۲- طبقه کارگر توری ایران از لحاظ کمی و کیفی، تمرکز سازمانی و آگاهی طبقاتی، از حیث جهانی بینی علمی انقلابی هنوز بصورت آن نیروی اجتماعی مقتدری در نیامده بود که در مرحله انقلاب دمکراتیک، در جنبش رهائی بخش ملی ضدامپریالیستی بتواند نقش تعیین کننده ایفا کند. ۳- ارتباط سازمانی موثر و هماهنگی عملی بین بخش های مهم این دوره از اوج جنبش دهائی بخش، یعنی بین انقلاب گیلان، انقلاب آذربایجان و انقلاب خراسان وجود نداشت. کوششهای پراکنده و جزئی که بطور عمده از جانب هواداران سوسیالیسم علمی صورت میگرفت، بملت کمی عمق اجتماعی و تاریخی، نتوانست مترس اقلد و اغلب در نطفه خنثی میشد. ۴- دشمن متحد، امپریالیسم انگلیسی و رژیم طاغوتی شاهنشاهی، همه نیروهای مادی و معنوی خود را در ایران، از سیاسی گرفته تا نظامی، از سازمانی گرفته تا ایدئولوژیک، علیه جنبش انقلابی متمرکز کردند. همه این عوامل بصورت تفرقه و نفاق بین نیروهای انقلابی بروز کرد و سبب شکست نبشت شد.

امروز نیز انقلاب شکوهمند ایران بر رهبری امام خمینی، که در کار تحقیق اهداف ضدامپریالیستی و خلقی جنبش انقلابی قرن اخیر تاریخ کشور است، در مقابل چنین خطری قرار دارد. هشیار باشیم تا بدام تحریف تاریخ نبیقیم، زیرا سعی در گذاشتن تاریخ گذشته در خدمت نیت و نظرات ضدانقلابی، غیرانقلابی و سازشکارانه، یکی از شیوه های تحریف تاریخ است.

(۱) مولف کتاب «سردار بنگل» ایرامیون فرخانی که به دیگر مورخین (در باره ارتباط میرزا کوچک خان با نظامیان آلمانی و ترکهای متجاوز عثمانی) اعتراض کرده است (چاپ نهم، صفحات ۲۶-۲۷) خود در صفحات دیگر همین کتاب (۹۲، ۹۴، ۹۵، ۱۱۷ و غیره) بویژه در شرح جریان حمله به ملاسرا (محل ملاقات اعضای کمیته انقلاب) و کشته شدن حیدرخان و بعضی دیگر از اعضای کمیته از مفسده چوینی و چنانیکاری افسر آلمانی گائوک (که تا آخرین لحظات به همراه میرزا کوچک خان و دست راست او بود) پرده برداشته است (ص ۳۶) و وجود این ارتباط بسیار نزدیک را نشان داده است.

## در راهپیمائی سالروز ۵۷ خونین ۵۷ درگراگان: مردم قهرمان گراگان برای ادامه مبارزه با دشمن پیمان بستند



هزاران نفر از مردم گراگان در یک راهپیمائی باشکوه، در دومین سالگشت روزی که دژخیمان شام آمریکا تظاهرات آرام مردم این شهر را بخون کشیدند، خشم و نفرت خود را نشان امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا کردند و در صفوف بیفشاره، وحدت خود را برای ادامه انقلاب اعلام داشتند. روز ۵ آذر ۱۳۵۷، در اوج انقلاب باشکوه مردم ایران، مردم گراگان دست به یک راهپیمائی آرام زدند، تا همبستگی خود را با خواهران و برادران خود در سراسر ایران نشان دهند و خشم و نفرت خود را علیه رژیم شاه ابراز دارند. در این روز دژخیمان شاه تظاهرات آرام مردم را بخون کشیدند. در دومین سالگشت این روز، هزاران نفر از کارگران، کشاورزان، فرهنگیان و دیگر اقشار مردم دست به راهپیمائی زدند، که در صفوف خود دوشبید جنگ تحمیلی را هم تشییع میکردند شعار میدادند: خوزستان، خوزستان، بردنشان گورستان در دست مردم پلاکاردهائی دیده میشد، که روی آنها نوشته شده بود: ۵ آذر، یکی از سندهای خود را به رهبر ظلم جهانی، بسرکردگی آمریکا در عزای شهدای همیشه زنده شهر، مارش عزا نواخته شد و در میان خشم و خروش مردم جنازه دوشبید به خاک سپرده شد. در پایان مراسم، قلمنامه ای قرائت شد که طی آن، مردم گراگان وفاداری خود را به رهبر انقلاب و حمایت خود را از مجلس شورای اسلامی و روحانیت مبارز اعلام داشته و خواهان ادامه جنگ یا متجاوزین صدامی شده بودند. در این قلمنامه مردم گراگان از حمایت کشورهای انقلابی مسلمان سوریه، لیبی و الجزایر در جنگ ایران علیه امپریالیسم آمریکا تشکر کردند و هرگونه احتکار و گرافروشی را طرد نمودند.

## دلاوران انقلاب...

بقیه از صفحه ۱ گرفته اند، موفق شدند در یک سری عملیات هماهنگ با یاری برادران ارتشی در تاریخ ۱۶ آذر در محور کرخه کور، حدود ۱۷۰ نفر از فریب خوردگان صدام تکریتی را کشته و زخمی کنند و ۴ دستگاه فانک با کشته و ۲ دستگاه توب شده های، ۱۶ دستگاه خودرو حامل مهمات و آذوقه، ۲ خیاره انداز، یک نفر بر پ. م. و یک انبار مهمات دشمنان انقلاب

## دوستی اتحاد...

بقیه از صفحه ۱ را از خط اصولی سیاست خارجی خود منحرف سازند. آنها اینک برای یاری داری بسا سیاست استقلال طلبانه و ضدامپریالیستی هند و بویژه از پاکستان و چین، دو دستیار فعال خود در آسیا، بهره برداری کامل بعمل می آورند. درست در آستانه سفر لئوئید برژنف، در هند اعلام شد که ماموران امنیتی آن کشور یک جاسوس پاکستانی را دستگیر کرده اند. وی یکی از صدها جاسوسی است که دولت دست نشانده ضیاءالحق برای خرابکاری

## مائوئیستهای امریکائی «رنجبر» به جنازه رفیق شهید حجت ذوالفقاری حمله کردند

حزب توده ایران از سپاه پاسداران شیراز می خواهد که با ضد انقلابیون «رنجبری»، که دستگیر شده اند، قاطعانه رفتار شود.

شهادت انقلابیونی که در گروهک امریکائی - چینی «رنجبران» لانه کرده اند، چنانکه شیوه مائوئیست ها، این چماق داران امپریالیسم آمریکا و قداره بندان پکن است، هنگام تشییع جنازه رفیق شهید، توده های قهرمان حجت ذوالفقاری، که در جبهه نبرد جان خویش را نثار انقلاب کرده است، به جنازه شهید حمله کردند و کوشیدند مراسم را بهم بزنند و آشوب بپاکنند. در این حمله ۶ نفر از رفقای حزبی ما و چند نفر از مردم، که در مراسم شرکت داشتند، زخمی شدند.

بر اساس اخبار رسیده از شیراز، صبح روز جمعه ۹ آبان ۵۹، با موافقت بنیاد شهید شیراز، قرار بود پیکر گلگون رفیق حجت ذوالفقاری و ۶ شهید سرباز از شاهچراغ شیراز تشییع شود، همانطور که در شماره ۳۷۶ نامه «مردم» (یکشنبه ۲ آذر ۵۹) گزارش این مراسم چاپ شد، گروه کثیری از مردم برای تشییع جنازه شهید آمدند. قبل از مراسم، اعلامیه تحریک آمیزی از طرف گروهک امریکائی - چینی «رنجبران» در بین مردم پخش شد، تا شاید مانع تشییع جنازه رفیق شهید شود، اما این تلاش نتکین ثمری نبخشیدر توده های خلق شهدا را بر نشانه خود به گورستان بردند. هنگامیکه جنازه شهید به گورستان رسید، «رنجبرها» خود را به تابوت رفیق شهید رساندند و آن را بجای غسلخانه به طرف گور بردند. در همین موقع چند «رنجبری» دیگر با فریاد می گفتند: «مردم، توده های جنازه را بردند، تا شهید اسلام را بدون غسل و نماز میت دفن کنند». رفقای ما، با کمک برگزار کنندگان مراسم، این توطئه را افشاء کردند و جنازه رفیق شهید را به غسلخانه بردند. در سالن غسلخانه، جوانکی کیسولنده از «رنجبری» ها شروع به فریاد زد: «مردم، توده های ما در این مراسم شرکت دارند، مگر شاهد نبودید که شعارهای ضد امریکائی می دادند!»

## حمله عناصر ضد انقلاب به کیوسک نشریات حزب توده ایران در مرودشت

پدنیال حمله عده ای از عناصر ضد انقلاب در هفتم آبانماه ۵۹ به کیوسک نشریات حزب توده ایران در مرودشت، حزب توده ایران - سازمان مرودشت با ارسال نامه ای به روابط عمو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این شهر، خواستار رسیدگی به این امر و دستگیری عوامل ضد انقلاب

پیکری در سیاست خارجی اصولی ضدامپریالیستی، استقلال طلبانه و صلح جویانه خود، در میان خلق های مترقی و صلح دوست جهان مقامی شامخ بدست آورد و در راه تقویت جنبش ضد امپریالیسم و صلح گام بردارد. سفر لئوئید برژنف به هند را در این چارچوب باید ارزیابی کرد.

## مئل عمده شکست انقلاب گیلان:

علل عمده شکست انقلاب گیلان را میتوان بشرح زیرین خلاصه کرد: ۱- شرکت موثر در رهبری نیروهای محرکه انقلاب با نمایندگان طبقات و اقتدار خرده بورژوازی شهر و روستا، بازرگانان و مالکان لیبرال و روشنفکران دمکرات منشن بود. که اکثریت قاطع این نیروها، بر حسب ماهیت اجتماعی خود، فاقد طبیعت انقلابی، متایل به سازشکاری، مسامحه و ممانعت بودند. ۲- طبقه کارگر توری ایران از لحاظ کمی و کیفی، تمرکز سازمانی و آگاهی طبقاتی، از حیث جهانی بینی علمی انقلابی هنوز بصورت آن نیروی اجتماعی مقتدری در نیامده بود که در مرحله انقلاب دمکراتیک، در جنبش رهائی بخش ملی ضدامپریالیستی بتواند نقش تعیین کننده ایفا کند. ۳- ارتباط سازمانی موثر و هماهنگی عملی بین بخش های مهم این دوره از اوج جنبش دهائی بخش، یعنی بین انقلاب گیلان، انقلاب آذربایجان و انقلاب خراسان وجود نداشت. کوششهای پراکنده و جزئی که بطور عمده از جانب هواداران سوسیالیسم علمی صورت میگرفت، بملت کمی عمق اجتماعی و تاریخی، نتوانست مترس اقلد و اغلب در نطفه خنثی میشد. ۴- دشمن متحد، امپریالیسم انگلیسی و رژیم طاغوتی شاهنشاهی، همه نیروهای مادی و معنوی خود را در ایران، از سیاسی گرفته تا نظامی، از سازمانی گرفته تا ایدئولوژیک، علیه جنبش انقلابی متمرکز کردند. همه این عوامل بصورت تفرقه و نفاق بین نیروهای انقلابی بروز کرد و سبب شکست نبشت شد.

امروز نیز انقلاب شکوهمند ایران بر رهبری امام خمینی، که در کار تحقیق اهداف ضدامپریالیستی و خلقی جنبش انقلابی قرن اخیر تاریخ کشور است، در مقابل چنین خطری قرار دارد. هشیار باشیم تا بدام تحریف تاریخ نبیقیم، زیرا سعی در گذاشتن تاریخ گذشته در خدمت نیت و نظرات ضدانقلابی، غیرانقلابی و سازشکارانه، یکی از شیوه های تحریف تاریخ است.

بعد از انجام مراسم کفن و دفن در غسلخانه و نماز میت، وقتی مردم جنازه رفیق شهید را بطرف گور میردند، «رنجبری» ها باز بیجان مردم آمدند. مائوئیست های امریکائی - چینی فریاد می زدند: «این جنازه قلابی است، گول توده ای ها را نخورید». این توطئه هم رسوا شد. مردم در جواب فریاد زدند: «ما خودمان جنازه شهید را در غسلخانه دیدیم، که دستش قطع شده و پایش شکسته است».

بعد از اینکه شهید قهرمان، در میان خروش خلق پلاک سپرده شد و مردم در حال ترک گورستان بودند، باردیگر «رنجبری» ها، به رهبری همان جوانک کیسولنده، در حالیکه فریاد می زدند: «اینها توده های کافر هستند که در گورستان برادران ما را شهید کردند» با چوب و زنجیر به خانواده شهید حمله کردند. همان جوانک کیسو بلند در حالیکه فریاد می زد: «این توده های برادر مرا در گورستان سر بریده اند، باید آنها را بکشیم»، با زنجیر به رفقای توده ای حمله می کرد.

لحظاتی بعد پاسداران رسیدند و «رنجبری» ها را دستگیر کردند و به ستاد عملیاتی سپاه پاسداران بردند. ما ضمن افشای این توطئه مائوئیست های امریکائی - چینی «رنجبری»، از سپاه پاسداران شیراز می خواهیم که با این ضد انقلابیون آشکار، که وظیفه ای غیر از نفاق افکنی بسود آمریکا ندارند، قاطعانه رفتار کنند.

که آنها آگاهانه یا ناآگاهانه در خدمت امپریالیسم آمریکاهستند، زیرا حزب ما یکی از نزدیکترین نیروهای مدافع انقلاب بزرگ ایران بر رهبری امام خمینی و دشمن سرسخت امریکائی چنانیکار و لیبرالهای سازشکار است. صفحات نامه «مردم» از گراگان مرکزی حزب ما و شهادت توده ایها در جبهه های جنگ با رژیم بعثی عراق، شاهد گویای این واقعیت است.

## در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

نورالدین کیانوری

«پرسش و پاسخ»

شخصیت‌های خلقی و ضد امپریالیست نباید بالیبرال‌ها در یک صف قرار گیرند

جلسه مرسوم «پرسش و پاسخ» روز یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۵۹ با حضور رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، تشکیل شد. رفیق کیانوری به پرسش‌هایی که شرکت‌کنندگان در جلسه مطرح کردند، پاسخ گفت. پیشی از این «پرسش و پاسخ» در این شماره درج می‌شود.

س: برخی از شخصیت‌های خلقی و ضد امپریالیست نظیر رضا صفهانی و گلزاده غفوری اخیراً ضمن مخالفت با زیاددرویی‌ها، عملاً در این مرحله در موضع لیبرال‌ها قرار گرفته‌اند. حزب برای آن‌که این شخصیت‌های مترقی و نه تنها این شخصیت‌ها، بلکه همچنین سازمان مجاهدین را کدرترین موضعی قرار گرفته است، از صفوف لیبرال‌ها جدا کند، چه کاری می‌تواند انجام دهد؟

ج: این سؤال دو قسمت دارد. یک قسمت این است که چرا برخی از شخصیت‌هایی که از لحاظ موضع گیری اجتماعی واقعا بالیبرال‌ها نیستند در زمینه تلاش برای تأمین «آزادی»، با آن‌ها در یک جبهه مشترک قرار گرفته‌اند، و قسمت دیگر این است که نیروهای مترقی جامعه، نیروهای هوادار انقلاب چه اقداماتی باید انجام دهند تا آن‌ها از نیروهایی که واقعا مخالف انقلاب هستند و هدف‌های دیگری دارند، جدا شوند.

برای آن‌که بتوانیم هم به قسمت اول و هم به قسمت دوم این سؤال بهتر پاسخ دهیم، باز باید برگردیم به همان مسئله‌های کدری که قبلی تشریح کرده‌ایم یعنی به ماهیت طیف وسیعی که از چندی پیش زیر شعار تأمین «آزادی» به فعالیت دامنه‌دار پرداخته‌اند. همان‌طور که بارها در «نامه مردم» و در گفتارهای قبلی متذکر شده‌ایم، به نظر ما میان این دو بخش از لحاظ ماهوی به هیچ وجه همگونی وجود ندارد. در طیفی که این روزها مشغول فعالیت دامنه‌دار شده است، ما از یک سو عناصر مشخص و شناخته شده‌ای را می‌بینیم که مثل همیشه می‌کوشند با ایجاد وضع بحرانی، آب را گل‌آلود کنند و به نفع خود از آن ماهی بگیرند و از سوی دیگر شخصیت‌های انقلابی مورد احترامی را مشاهده می‌کنیم که به طور بی‌گنجه علیه رژیم استبداد و امپریالیسم مبارزه کرده‌اند و هنوز هم تا آنجا که ما از آن‌ها اطلاع و شناخت داریم، در مواضع ضد امپریالیستی و خلقی، در مواضع اصیل خط امام قرار دارند و مع الوصف با این طیف هم صدا شده‌اند. در این دو جهت نیروهایی قرار دارند که اگر هم تا بربروز هر دو خود را بی‌روخ‌آمام اعلام می‌کنند، اما در عمل با هم مخالفت‌های اصولی داشتند و به شدت علیه یکدیگر می‌جنگیدند. بد نیست ما به اظهارات آقای سید حسین خمینی که روز ۱۳ آذر ۱۳۵۹ در روزنامه «اطلاعات» افشاگری فوق العاده با اهمیت و با ارزشی کرده است توجهی بکنیم و ببینیم چطور در این طیف ناممکن عناصری جمع شده‌اند که تا مدتی پیش هر یک دیگری را به شدت نفی می‌کرد. من به چند جمله از گفته‌های آقای سید حسین خمینی اشاره می‌کنم. اول نتیجه‌گیری او را می‌خوانم که از همه بهتر است. او می‌گوید دشمن امروز امام را هدف قرار داده است. یعنی نتیجه‌گیری آقای سید حسین خمینی این است که تمام کسانی که این سرودها را پاره‌پاره کرده‌اند، اعم از آن‌ها که دانسته و آگاهانه وارد عمل شده‌اند یا آن‌ها که ناآگاهانه در دام افتاده‌اند، همه در یک جبهه علیه خط امام عمل می‌کنند. و اما در اثبات این نتیجه‌گیری، ما قبلاً چنین مطالبی را می‌خوانیم:

«چه شد که آقای قطب‌زاده که با آقای بنی‌صدر مخالف بود خود را یک مرتبه جزو هواداران ایشان قرار داد... چه شد که آقای بنی‌صدر وقتی رئیس جمهور شد، آقای قطب زاده جلوی من به عموم گفت بزرگترین فاجعه تاریخ رخ داد و امروز رئیس جمهور عزیز شده است... چه شد که آقای قطب‌زاده‌ای که می‌گفت آقای بزرگ‌زاد را با برگ‌سبز از آمریکا گرفته است یعنی از قراری که می‌گویند این یک نوع تعهدی است که به آمریکا خیانت نکند و این را دلیل می‌گرفت که او به امام نزدیک نشود، ناگهان یار و یاور همدگر شدند... چه شد که آقای بزرگ‌زاد که در پاریس آمده بود، چون امام فرمودند موضع را در مقابل رژیم مشخص کن یعنی بگو رژیم شاهنشاهی را قبول نداری، آن وقت بی‌پش من... آقای بزرگ‌زاد قبول نکرد و امام هم او را راه نداد و برگشت ایران... آقای قطب زاده که مخالف آقای بزرگ‌زاد بود و می‌گفت این همیشه عقب‌تر از مردم است و من آقای قطب‌زاده را در مقابل خانه امام در پاریس گرفتم و گفتم چه شد که شما برای آقای عزت‌الله سبحانی و آیت‌الله طالقانی نامه نوشتید، نه برای آقای بزرگ‌زاد، گفت این پیرمرد خرفت شده است و... یک مرتبه آقای بزرگ‌زاد بدون آقای قطب‌زاده عزیزش آب از گلوش پاشیدن نرفت. چه شد که آقای علی‌اصغر حاج سید جوادی یک مرتبه پادشاه آمد قانون اساسی شاهنشاهی هم محتوایش خوب است و کار دانشجویان بی‌روخ خط امام بزرگ‌ترین خیانت است.»

(رجوع شود به «اطلاعات»، ۱۳ آذر ۱۳۵۹، صفحه ۱۱).

خوب این جا سئوالات بسیار جالبی مطرح شده است. ما به محتوای اساسی این سئوالات در مقالات «نامه مردم» و در جلسات «پرسش و پاسخ» به تفصیل پاسخ داده و ریشه‌های واقعی را روشن کرده‌ایم. ما چه در تحلیل پلنوم کمیته مرکزی و چه بعد از آن به طور روشن گفته‌ایم که در جریان انقلاب، در آن مرحله‌ای که مستأصلی انقلاب، علیه استبداد محمدرضا و درود ستایش متوجه بود، نیروهای گوناگونی از لحاظ طبقاتی و اجتماعی در این مبارزه شرکت کردند، ولی هر کدام از این‌ها اهداف مشخص طبقاتی خودشان را داشتند. بورژوازی لیبرالی که در رژیم سابق تحت فشار بورژوازی بزرگ و درود ستیه، وابسته‌ها و کارگزارانش قرار داشت و استبداد پهلوی مانع رشد سریع و پیوسته بود، با آن استبداد مخالف می‌کرد و خواست خودش آقای جامعه باشد. این بورژوازی میل نداشت که بیست و چند میلیارد دلار درآمد نفت، فقط به جیب خاندان پهلوی و یک گروه پانصد نفری از نزدیکان آن‌ها برود، بلکه می‌خواست که خودش هم از این نفع کلاهی داشته باشد. امام در پیکی از گفتارهای اخیرش که بعد از این تحریکات قم و بازار تهران انجام گرفته، تقریباً صریح گفت که آن‌ها با این انقلاب اصلاً مخالف بودند و حتی کم مانده بود که آسامی آن‌ها را هم ذکر کند. البته آسامی آن‌ها مشخص است. این‌ها همان لیبرال‌ها هستند که بعد از انقلاب کوشیدند انقلاب را در چارچوب تنگ منافع خودشان محصور نگاه دارند.

حالا این‌ها در طیف یاد شده قرار گرفته‌اند. از این‌ها که بگذریم عناصر گوناگون دیگری در این طیف دیده می‌شوند که به علل گوناگون نا-راضی هستند: برخی‌ها روی عقده‌ها، برخی‌ها هم واقعا روی ناراحتی از زیاددرویی‌ها و ناسامانی‌هایی که در دستگاه اداره‌کننده واقعی انقلاب وجود دارد. ولی به نظر ما افراد اخیر، چه گروه باشند و چه افراد جداگانه، در این مرحله دچار یک اشتباه جدی هستند و آن اشتباه این است که با وجود داشتن نیت خوب و هدف‌های درست، اجازه داده‌اند که نیروهای ناسالم از آن‌ها استفاده کنند. و حال آن‌که به نظر ما افراد و شخصیت‌هایی که در جامعه مورد احترام هستند، نباید به نیروهای وابسته به ضد انقلاب، به نیروهای وابسته به لیبرال‌ها اجازه می‌دادند که با استفاده از حرمت آن‌ها چهره لیبرال و ماهیت سرمایه‌داری خود را بیوشانند.

من در پیکی از گفتارهای قبلی، به نام حزب‌مان، به این شخصیت‌ها و سازمان‌ها و جبهه‌های مجاهدین خلقی، که ما آن‌ها را جزو نیروهای سالم جامعه می‌دانیم، توصیه کردم که با آن‌ها که برخی مسائل طرح شده از سوی شما درست و نمایانگر کمبودهایی است که در جامعه انقلابی ما، یک

قسمت به علل عینی ناشی از شرایط انقلاب و یک قسمت هم به سبب زیاددرویی‌ها و شیوه‌ها و روش‌های نادرست و ناسالم افراد مختلف در دستگاه حاکمه، به وجود آمده است. مع الوصف برای آن‌که بانگ اعتراض شما برای رفع این کمبودها و معایب، بتواند موثر واقع شود، شما پیش از هر چیز باید حساب خود را از حساب لیبرال‌ها، از حساب کسانی که با این انقلاب و با محتوایی که الان پیدا می‌کند، به کلی مخالفند، سوا کنید. شما اول باید حساب خود را با همه آن نیروهایی که به شیوه‌های «رادپوی بغداد»، «صدای آمریکا»، «بختیار و اوسپی» و عوامل آن‌ها، از نبودن «آزادی» در ایران و از «فاشیزم آخوندی» و مهملاتی از این دست، دم می‌زنند سوا کنید و واقعا نشان دهید که آنچه آن‌ها می‌گویند دورویی، تقلب و تزویر است و آن چه که شما می‌گویید هدفش واقعا رفع نواقص و کمبودها برای تقویت انقلاب است.

این شرط اول است و اگر این کار انجام نگردد، نیروهای دشمن انقلاب مسلماً از موضع گیری‌های شخصیت‌ها و نیروهای یاد شده سوء استفاده خواهند کرد و این به زیان انقلاب و مایه نهایت تأسف خواهد بود. س: آیا این اطلاع صحیح است که سازمان مجاهدین خلق تا حدی به اشتباهات خود بی‌برده‌اند و می‌خواهند حساب خود را از حساب لیبرال‌ها جدا کنند؟

ج: اگر چنین گامی از طرف سازمان مجاهدین خلق برداشته شود، شاید بتوان گفت که مهم‌ترین گام مثبتی است که برای جدا کردن خود از جبهه نیروهای مخالف انقلاب برداشته اند و آن را باید به فال نیک گرفت. ولی البته این فقط یک فرض است و ما هیچ‌گونه اطلاعی برای تأیید چنین واقعتی نداریم و فقط می‌توانیم امیدوار باشیم که این فرض واقعیت پیدا کند. ولی ببینیم که اصلاً بحث بر سر چیست؟ قبل از این که به این مطلب بپردازیم، می‌خواهم به یک نکته مهم اشاره کنم و آن این است که رادپوی‌ها

۱- ضرورت جدا سازی شخصیت‌های خلقی و ضد امپریالیست از صفوف لیبرال‌ها  
۲- آیا سازمان مجاهدین خلق نمی‌خواهد حساب خود را از حساب لیبرال‌ها جدا کند

ارتجاعی دشمن ایران و نیز روزنامه لیبرال «میزان» و برخی روزنامه‌های دیگر و از آن جمله «انقلاب اسلامی»، به بهانه‌های گوناگون به ما حمله می‌کنند و بدترین اتهام‌ها را به ما می‌زنند. برخی از آن‌ها حتی دعوی کرده‌اند که ما «در تدارک کودتا» هستیم! ما بارها گفته‌ایم که این اتهامات را «تهران‌مصور» و «شاهد» و سایر عمال آمریکا هم تا قبل از ۲۸ مرداد به ما می‌زدند. آن‌ها درست در همان زمانی که کودتای ۲۸ مرداد تدارک دیده می‌شد، حزب توده ایران را متهم می‌کردند که برای کودتا، تدارک می‌بیند. حالا هم نظیر آن جریان دارد تدارک می‌شود و بعضی‌ها می‌گویند که حزب توده ایران دارد تدارک کودتا می‌زند. از این‌ها که بگذریم بعضی‌ها هم دعوی دارند که حزب توده ایران «القاء ایدئولوژی» می‌کند، یعنی اندیشه‌ها و نظریات خود را با یک نوع «قدرت سحرآمیز» در مغز روحانیت می‌گذارد و گویان‌ها هم بدون اراده «آلت‌دست» قرار می‌گیرند. بعضی دیگر به ما متهم می‌زنند که گویا می‌خواهیم «تحریک کنیم» و با افشاگری‌های خود میان نیروهای مسلمان شگاف بیندازیم.

ولی افراد آگاه و با تا حدی آگاه از سیاست، خیلی زود می‌توانند بی‌بهرند که این سرودها و این حرف‌ها از کجا آب می‌خورد. حقیقت مطلب این است که قبلاً و حال کنندگان، همه از سیاست حزب توده ایران در زمینه مبارزه قاطع و بی‌پیکر علیه امپریالیسم، انشای توطئه‌های لیبرال‌ها ناراضی هستند و این عدم رضایت غالباً به صورت دیوانه‌وار، به صورت فحش و دشنام و سخنان هرز، بروز می‌کند. اگر بعضی از مقالات یا متن گفته‌های مافوق‌سیاست را، از روزنامه «رنجبر» گرفته تا مافوق‌سیاست‌ها تازه مسلمانان که در خدمت بعضی از شخصیت‌های اجتماعی هستند، بخوانیم، می‌بینیم که این اواخر کارشان واقعا به زوزه کشیدن رسیده است. آنها دیگر جز فحش و دشنام چیزی در چنته ندارند که تکرار کنند و ما هم به آن‌ها فقط با یوزخند تسخیر بحث پاسخ می‌دهیم.

و اما ببینیم واقعا بحث بر سر چیست؟ آیا این‌ها واقعا دلشان برای «آزادی» می‌سوزد؟ اگر دعوا بر سر این است، پس چرا این آقایان که در فراق «آزادی» چنین زار می‌زنند، در مورد بسیاری از آزادی‌ها که در نتیجه فعالیت بورژوازی لیبرال، فوئدال‌ها و تمام وابستگان به رژیم گذشته، هنوز در کشور ما وجود ندارد، مهر سکوت بر لب زده‌اند و کوچک‌ترین صدایی از آنها به گوش نمی‌رسد؟ در این زمینه وقتی من سرمقاله «اطلاعات» در ۱۵ آذر ماه را خواندم، به یوزخند آن‌ها آفرین گفتم. واقعا خیلی منطقی بود. از این طرفداران به اصطلاح آزادی-آزادی لیبرالی-برسیده بود که آقایان شما چرا در باره آزادی مردم محروم کشور ما که از همه حقوق اقتصادی محروم هستند، و در باره آن اصول قانون اساسی که در جهت تأمین منافع این محرومان جامعه، در جهت برانداختن استثمار و کوتاه کردن دست غارتگران دلال و تاجران بزرگ و غیره و غیره است، هیچ سخنی نمی‌گویید؟ ما واقعاً یکبار هم ندیده‌ایم که در «میزان» علیه غارتگری‌هایی که در این یکسال اخیر هر کدام صدها میلیون از تجارت‌خانه‌هاشان سود برده‌اند- و این غارتگری بزرگ‌ترین جنایت علیه انقلاب ایران است، - کلمه‌ای صحبت شده باشد. آیا شما «آزادی» را فقط برای این کارها می‌خواهید؟!

کسانی که به دردهای اساسی جامعه اعتنا ندارند، می‌خواهند بسا کلی‌گویی مسائل را لوٹ کنند. اکثریت قریب به تمام مردم ایران که انقلاب کرده‌اند، می‌خواهند حدود مالکیت شرعی را معین کنند. ولی اگر متلاذمی کرباسی در بازار حق داشته باشد طی ده سال تجارت دو میلیارد پول جمع کند، کجای این «مشروع» است؟ مگر امام خمینی بارها نگفته است که بازار ماهنوز هم بازار طاغوتی است؟ مفهوم این سخن البته این نیست که افراد هر شب عینی شاه را جلوی خود می‌گذارند و بی‌ان تعظیم می‌کنند. طاغوتی است، یعنی این که همان غارتگری دوران طاغوت ادامه دارد و از همان شیوه‌های سابق در غارت بی‌بند و بار هستی مردم استفاده می‌کنند. کالا

را به قیمت صد تومان می‌خرند و چندین برابر آن به مردم می‌فروشند امروز فریاد تمام جامعه ما از احتکار بلند است. کی این احتکار را می‌کند؟ آن بی‌زنی که چند سیر نخود و لیه می‌خرد یا آن تاجر بازاری که صد هاتن قند و شکر و روغن نباتی و غیره در انبارهای خودش پنهان می‌کند و با دست‌های مخفی در بازار سیاه به قیمت سه برابر و چهار برابر می‌فروشد؟ پس چرا این آقایان در مقابل این پدیده‌ها به کلی ساکت هستند؟ برای آن که این‌ها واقعا آزادند، هنوز دست به ترکیب آزادی آن‌ها نخورده و آزادی احتکار وجود دارد. به همین جهت است که روزنامه «میزان» اصلاً در این باره صحبت نمی‌کند و در این زمینه حتی آزادی بیشتر از این هم نمی‌خواهد، چون دیگر از این بیشتر آزادی احتکار، آزادی کرافروشی وجود ندارد. در این زمینه «میزان» هیچ دغدغه‌ای ندارد فقط می‌خواهد که این آزادی که برای کرافروشان، غارتگران، سرمایه‌داران وابسته هست، برای نمایندگان مطبوعاتی آن‌ها هم تعمیم پیدا کند و «میزان» و امثال «میزان» آن‌ها که بنا بود در بیابند و نیامدند، هر چه دلشان خواست بنویسند و نقشه‌ها و نیت‌ها خود را برای ترمز کردن انقلاب و آماده ساختن راه سازش با امپریالیسم از پیش ببرند. مثلاً من یک نمونه از نوشته آقای مهندس سبحانی، یکی از نمایندگان میز لیبرال‌ها، وزیر کابینه آقای بازرگان و نماینده مجلس را که در روزنامه «میزان» امروز ۱۶ آذر ۱۳۵۹ منتشر شده است، ذکر می‌کنم.

این آقای مهندس سبحانی، مثل سایر لیبرال‌ها در باره سیاست خارجی ایران شرح مفصلی نوشته است. قسمت اول این شرح مربوط به مناسبات با کشورهای «دنیای سوم» و کشورهای سوسیالیستی و سپس مناسبات با اتحاد شوروی است که ما وارد این بحث نمی‌شویم. در عین حال که اصولاً معیوب و در جهت همان سیاست مشخص لیبرالی است. ولی قسمت آخر این بحث خیلی جالب است. این قسمت به مناسبات با آمریکا مربوط می‌شود، ولی برخلاف قسمت اول در آن حتی یک کلمه در این باره پیدا نمی‌شود که سیاست آمریکا، دشمنی با انقلاب ایران است. آقای مهندس سبحانی در این قسمت آنقدر احتیاط به خرج داده که فقط گفته است دولت آمریکا، انقلاب ایران را «دوست ندارد». در صورتی که تمام مقامات تعیین‌کننده سیاست ایران، از امام گرفته تا رئیس جمهور، رئیس مجلس و تمام نهادهای واقعی انقلابی همیشه می‌گویند که آمریکا دشمن اصلی ما است. ما در درجه اول با آمریکا

در جنگ هستیم، زیرا صدام را آمریکا علیه ایران به کار انداخته است. ما با آمریکا در جنگ نظامی، اقتصادی و سیاسی هستیم، آمریکا ما را محاصره اقتصادی کرده، می‌خواهد ما را خفه کند، پول‌های ما را گرفته، ارز ما را توقیف کرده، همه این کارها را کرده است، ولی آقای مهندس سبحانی حتی از ذکر این که آمریکا دشمن ما است، احتراز می‌کند. یادمان هست که آقای مهندس بازرگان هم در تمام دوران دولت موقت از امپریالیسم آمریکا اسم نمی‌برد، حالا شاید هم یکبار اسم برده باشد، ولی واقعیت این است که این اسم بردن آنقدر نادر بود که ما می‌توانیم بگوییم، اصلاً نشنیدیم که ایشان از امپریالیسم آمریکا به عنوان دشمن ایران یاد کرده باشند. حالا

آقای مهندس سبحانی اظهاراتی می‌کنند که تقریباً عین همان مطالبی است که روزنامه «رنجبر» در باره لزوم برقراری مناسبات دوستانه با آمریکا نوشته و همان چیزهایی است که مافوق‌سیاست‌ها دیگر نظیر آقای فخری‌پور در روزنامه «انقلاب اسلامی» نوشته‌اند. خلاصه حرف همه آن‌ها هم این است که ما باید با آمریکا مناسبات خوب داشته باشیم، باید یکدیگر هایمان را از آمریکا بگیریم، برای این که تسلیحاتمان آمریکایی است و غیره و غیره. همه این «پایدها» مقدمه‌ایست برای هیوار کردن راه همان مناسبات گذشته با آمریکا. باید دعوا بر سر این است. «آزادی» برای این است. ولی وقتی مسئله لزوم اصلاحات ارضی بنیادی مطرح می‌شود، این آقایان مخالف می‌شوند، موضوع محدود کردن تجارت خارجی، ملی کردن تجارت خارجی پیش می‌آید، با آن مخالفت می‌کنند، وقتی این مسئله پیش می‌آید که ما باید روابط استعماری و به خصوص تسلط نظامی آمریکا بر ایران به هر شکلی از اشکال آن، از بین ببریم، زیرا با استفاده از تسلط نظامی بود که آمریکا تسلط سیاسی و اقتصادی خود را به ما تحمیل کرد، این آقایان به مخالفت بر می‌خیزند. دعوی اساسی بر سر لحاف ملانورالدین است، بر سر این نوع «آزادی» است، والا واقعیت این است که الان آزاد ترین طبقه اجتماعی در ایران، طبقه سرمایه‌دار است. این طبقه الان برای تأمین منافع خود، برای تأمین سود حداکثر خود، از آزادی مطلق برخوردار است. این مردم هستند که در مقابل سرمایه‌دار غارتگر آزادی ندارند، سرمایه‌دار می‌تواند قیمت دو چرخه را در عرض دو روز از هزار تومان به هزار و هشتصد تومان برساند. دعوا بر سر ادامه غارت بی‌بند و بار هستی توده‌ها میلیونی محرومان جامعه ایران است. هر جا که این مسئله مطرح باشد، لیبرال‌ها به راه می‌افتند و تمام طیفی هم که با لیبرال‌ها هستند یعنی سرمایه‌داران و قشرهای فرمفخرده بورژوازی که بخشی از امتیازات خود را از دست داده‌اند و دورنمای برای دوباره دست آوردن امتیازات گذشته خود در دوران طاغوت، نمی‌بینند، به اضافه تمام عناصر ضد انقلاب، دنبال آن‌ها را می‌گیرند و متینک‌هایشان را تقویت می‌کنند، شعارهایشان را به دیوار کوچه‌ها می‌نویسند، تراکت برای پخش می‌کنند و غیره و غیره.

پس دعوی اساسی در جامعه ما، دعوی با طرفداران سوسیالیسم علمی که حزب توده ایران نمایندگی اصلی آن را به عهده دارد، نیست. دعوی اساسی بین بقایای طبقات غارتگر جامعه و طبقات محروم جامعه است و بازتاب خارجی آن را سه اشکال مختلف در جامعه می‌بینیم. حالا در این بازتاب پدیده‌های گوناگونی هم پیدا می‌شود. مثلاً یک طرف دعوا برای آن‌ها که طرف مخالف خود را از میدان به‌در کند، حربه‌های گوناگون به کار می‌برد، یکی از این حربه‌ها که به خصوص برای بیرون کردن نیروی انقلابی غیر مارکسیستی و نیروهای خارج از جبهه هواداران سوسیالیسم، در جامعه ما به کار برده می‌شود، اعم از این که آن‌ها ملی باشند یا مذهبی، همیشه عبارت بوده است از زدن برجسب همکاری با کمونیست‌ها یا برجسب کمونیستی. یادمان هست که در دوران قبل از ۲۸ مرداد، رادپوی آمریکا، رادپوی لندن و مطبوعات آمریکایی-انگلیسی در ایران از «شاهد» گرفته تا «تهران‌مصور»، سعی داشتند به صدق هم برجسب کمونیستی بزنند. به او می‌گفتند تو رفتی از دامن کمونیسم. اگر شما به این قبیل روزنامه‌های چند ماه پیش از ۲۸ مرداد، نظری بیان‌نازید، می‌بینید مدام از سازش دکتر مصدق با کمونیست‌ها، با حزب توده صحبت می‌کنند و می‌نویسند مصدق می‌خواهد ایران را به سوی کمونیسم ببرد. دکتر مصدق هم وقتی زیر این فشار قرار می‌گرفت، مجبور می‌شد گاه و بیگاه دو تا فحش بسد و سبزه‌ها هم به حزب توده ایران بدهد و اتهامی به حزب توده ایران بزند. حالا این جریان دارد تکرار می‌شود.

بقیه در صفحه ۶

# کارگران معدن منگنز آماده جانبازی در جبهه های جنگ هستند

معدن منگنز واقع در روستای ونارج در ۳۱ کیلومتری شهر قم قرار دارد. در این معدن تعداد صد و نه نفر کارگر کار می کنند.

این معدن قبل از انقلاب در اجاره علی رضایی، سناتور رژیم سابق قرار داشت. وضع بهداشتی این معدن بسیار اسفناک است. دو تن از کارگران به نام های حسن فاضلی و قربان رحیمی و چند تن دیگر، قبل از انقلاب بر اثر مسمومیت با منگنز دچار فلج و ناراحتی اعصاب شده بودند، که توسط رضایی از کار اخراج شدند. خوشبختانه دو تن کارگر نامبرده پس از پیروزی انقلاب، به پست های نگهبانی معدن گمارده شدند.

حقوق ماهیانه کارگران اغلب بامدتی تاخیر پرداخت می شود. زیاد اتفاق می افتد که کارگران حقوق یک یا چند ماه خود را طلبکارند.

کارگران از سرپرست های کارخانه شدیداً اظهار نارضایتی می کنند. زیرا مثلاً یکی از سرپرستان، با تمام وجود با شورای اسلامی معدن مخالفت می کند.

خواست های کارگران عبارتند از:

- ۱- تنظیم ساعات کار برابر با قانون کار،
- ۲- رسیدگی لازم به امور بهداشتی و ایمنی،
- ۳- قرار گرفتن همه کارگران تحت پوشش بیمه،
- ۴- پرداخت حقوق و مزایای آن ها در آغاز هر ماه.

کارگران این کارخانه همه مصائب و مشکلات خود را ناشی از جنگ تحمیلی آمریکا و همچنین غارت و چپاول میهن ما طی سالیان دراز توسط آمریکا و امپریالیست های دیگری دانند. کارگران معدن همگی آماده اند تا برای کوتاه کردن دست عمال رژیم مزدور یعنی عراق، راهی جبهه های جنگ شوند.

## وضع مالکیت کارخانه گارتی گار، در روشن کنیده

داخت، ملی اعلام شد، ولی از آن هنگام تاکنون نه اداره کار و نه مراجع مسئول دیگر، در مورد ملی شدن کارخانه سخنی به میان نیاورده اند.

این کارخانه در حال حاضر با مشکلاتی دست به گریبان است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

کارخانه گارتی گار، که در سه کیلومتری جاده قم - تهران قرار دارد، کارتن تولید می کند. در این کارخانه تعداد صد و هشتاد نفر کارگرو بیست نفر کارمند کار می کنند.

جندی پیش پنجاه و یک درصد سهام آن، که به افراد طاغوتی تعلق داشت، ملی اعلام شد، ولی از آن هنگام تاکنون نه اداره کار و نه مراجع مسئول دیگر، در مورد ملی شدن کارخانه سخنی به میان نیاورده اند.

این کارخانه در حال حاضر با مشکلاتی دست به گریبان است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

کمیبود مواد اولیه (کاغذ) و کمیبود لوازم یدکی ماشین آلات است. در حال حاضر کارخانه با خطر تعطیل روبروست. اخیراً از جانب کارگران و کارمندان کارخانه گارتی گار شورا ای جهت رسیدگی به مشکلات کارخانه ایجاد شده است. اظهار امیدواری می شود که شورا بتواند گام مهمی در رفع مشکلات موجود بردارد.

کارگران از مقامات مسئول می خواهند که در مورد رفع مشکلات موجود بشورای کارخانه این مورد رسماً روشن کنند.

## اعلام آمادگی کارکنان توانیر مشهذبیرای دفاع از میهن انقلابی

کارکنان انقلابی توانیر (نیروگاه مشهد) آمادگی خود را برای اعزام به جبهه و همچنین کمک به مبارزان انقلابی در زمینه برپا کردن تاسیسات صنعتی اعلام کردند.

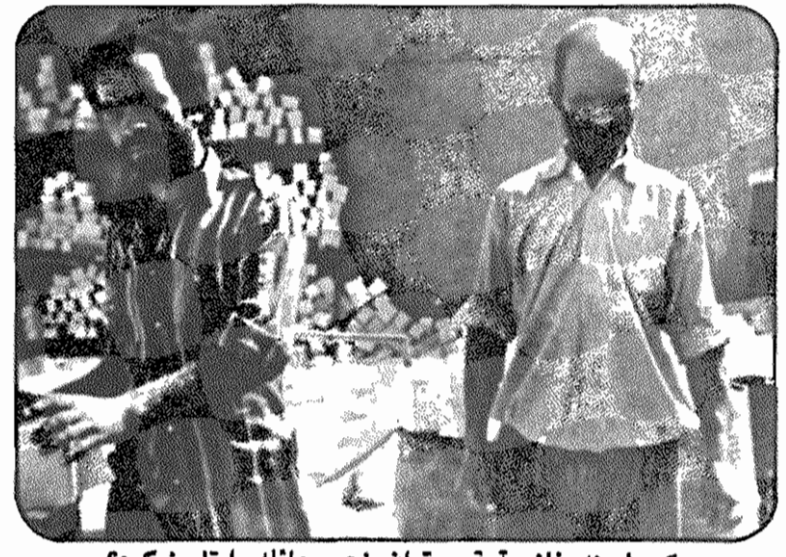
به دنبال جنگ تحمیلی عراق به ایران و بمباران تاسیسات صنعتی، عده ای از کارکنان توانیر مشهد، از جمله متخصصین فنی، که همواره نقش فعال در دوران انقلاب داشته اند آمادگی خود را برای اعزام به جبهه اعلام کردند.

دیگر کارکنان نیز با شرکت در بسیج بیست میلیونی و کسب آموزش نظامی در محیط کار، خود را برای مبارزه با آمریکا جهانبخوار و صدام جنایتکار در جبهه کار و بیچاره آماده کرده اند.

وضع سهام داران کارخانه ونحوه دخالت و نظارت دولت را در این مورد رسماً روشن کنند.

## در کارگاه های صابون پزی چه می گذرد؟

شدم، به مردمی برخورد کردیم که چهره پرچروک او و دست های پینه بسته اش گویای سال ها رنج و مشقت است. با او سر صحبت را باز کردیم. او گفت: "نام من مرتضی است. بیست سال است که کارگر صابون پزی هستم. وی با اشاره به موهای سپیدش اظهار داشت که: "سپیدی موهای من دلیل بر زیادی سنم نیست، چون من فقط چهل و هشت سال بیشتر سن ندارم و این کارشانه - روزی مرا بکلی شکسته کرده است."



مگر با چندرغاز حقوق می توان پنج سرعائله را تامین کرد؟

صابون را بصورت قالب های بزرگ درست میکنند و بعد آن را بصورت تکه های کوچکی درمی آورند و در یک دستگاه خیلی ابتدایی بصورت قالب های صابون مورد نظر درمی آورند.

دستگاه بصورت یک تخته است، که چهار تخته کوچکتر در وسط آن لولوا شده اند. نخست صابون را وسط این تخته ها قزرمی دهند و بعد یک تخته محکم شکل دور آنها میگذارند، که محکم شود. آنگاه با فشار دست های رابط طرف پائین می آورند که با این عمل صابونها بصورت قالب درمی آیند. ناگفته نماند که جریب مورد استفاده کارگاه های صابون پزی از دانه های پنبه بدست می آید.

کارگاه ها معمولاً بوسیله یک یادو نفر، که اغلب باهم شریک هستند، اداره می شوند. صاحب یکی از این کارگاه ها واقع در خیابان مصلی مشهد گفت: "ما حدود دوازده سال است که به این کار مشغولیم. قبلاً بخاطر رونق پودرهای مختلف رختشویی، کار ما بکلی کساد شده بود، ولی پس از پیروزی انقلاب کار ما دوباره رونق گرفته است، هرچند که این جریان موقتی است، چون با فراوانی دوباره پودرهای رختشویی و با ایجاد کارخانه های اتوماتیک صابون پزی، تکلیف ما یک سره خواهد شد."

او ادامه سخنانش اظهار داشت که: "از بعد از انقلاب، سود خیلی کمی گران شده است، یعنی برای مقداری که قبلاً بیست ریال می پرداختیم، حالا باید یکصد ریال بپردازیم، تازه اگر بگیریم."

او همچنین اضافه کرد که: "دولت باید به ما کمک کند و یکی از طرق آن اینست که دولت زمینی در اختیار ما قرار دهد. در این صورت ما می توانیم به اتفاق صاحبان چند کارگاه صابون پزی، دست به ایجاد کارخانه صابون پزی با تکنیک پیشرفته امروزی بزنیم. تنها در این صورت است که ما می توانیم جلوی از بین رفتن این حرفه را بگیریم."

صاحبان کارگاه های صابون پزی جمعی از این مسئله وحشت داشتند که در صورت ایجاد یک کارخانه پتروشیمی، خواه ناخواه کارگاه های آنان تعطیل خواهند شد.

دومین کارگاهی که مورد نظر ماست، در سبزووار قرار دارد. وقتی وارد کارگاه

آنگاه او ضمن نشان دادن پاها و دست های سوخته اش، از ستمی که از باب در مورد او روا می دارد، با ما درد دل کرد و در پاسخ سؤال ما که: "آقا مرتضی بیمه هستی؟ پس از کشیدن آهی دردناک و لبخندی معنی دار، گفت: "هر روز صبح از هنگام طلوع آفتاب تا پاسی از شب رفته کاری کنیم و چهارتا دیگ صابون را راهی اندازیم. ارباب برای اینکه پول بیمه را نپردازد، در دفتر خود بجای چهار دیگ، یک دیگ می نویسد. مسلم است کسی که سواداره بیمه کلاه می گذارد، به هیچ وجه زیر بار بیمه کردن ما نخواهد رفت."

مرتضی ضمن بر شماری مشکلات کار، اضافه کرد که: "ارباب از هر دیگ صابون پزی، بیش از هزار تومان درآمد دارد، که در مجموع درآمد او به بیش از چهار هزار تومان بالغ می شود. آیا عادلانه است که او با این درآمد کلان، به من حتی مزد یک کارگر ساختمانی را هم ندهد؟ ناگفته نماند که صاحب کارگاه یکی از سرمایه دارانی است که علاوه بر کارگاه صابون پزی، مالک چند باب مغازه و خانه زمین است. ما سه ماه است که گوشت بدهد همان نرسیده است. آخر مگر با این چندرغاز می شود پنج سراعائله را گوشت داد؟"

یکی دیگر از کارگران صابون پزی، در مورد درآمد کارگاه صابون پزی، اظهار داشت که: "صابون خشک در بازار کیلویی هفده تومان و صابون تر کیلویی هفت تومان ونیم است. با اضافه کردن پول پیه (جریب) و مزد ما در مجموع مبلغ دو هزار و هفتصد تومان برای صاحب کار هزینه ایجاد می کند. او معمولاً با صرف این مقدار هزینه، درآمدی بیش از شش هزار تومان خواهد داشت."

مقامات مسئول بنا بر ضرورت انقلاب و بخصوص ضرورت این لحظه حساس، که امپریالیسم آمریکا و نوکراتش علیه انقلاب و میهن ما مشغول توطئه و تجاوز هستند، باید هرچه زودتر به وضع این کوخ نشینان رسیدگی کنند. نباید گذاشت که کارفرماها در حق کارگران زحمتکش ستم روا دارند. باید آنها را وادار ساخت که حقوق اولیه انسانی این کارگران شریف را به رسمیت بشناسند. همچنین گرانی روز افزون هزینه زندگی نیز زحمتکشان را خرد کرده است. باید با اتخاذ تصمیم های فوری و قاطع، کارگران و زحمتکشان را از زیر بار این فشار خرد کننده نجات داد.

# در کارگاه های گالش سازی فقط کار است و بیماری

در شهر قم حدود شصت کارگاه گالش سازی وجود دارد. قبلاً مواد اولیه گالش از کشورهای خارج تامین می شد، ولی مدتهاست که ورود این مواد قطع شده است. یکی از واردکنندگان مواد اولیه گالش، کفش بلا بود، که سهامداران آن وابستگی به دربار پهلوی بودند. آنها مواد اولیه مورد نیاز را، بدون پرداخت حقوق گمرکی، وارد کشور می کردند.

مواد اولیه کارگاه های گالش سازی را در حال حاضر کفش های پلاستیکی کهنه و باره تشکیل می دهند، به این ترتیب که این نوع کفش ها را پس از تمیز کردن و زدودن گرد و غبار، در ماشین مخصوص خرد کردن مواد پلاستیکی خرد و تبدیل به موادی ریزی می کنند.

در این کارگاه بیشتر کارگران افغانی، پاکستانی و عرب کار می کنند، زیرا این کارگران با مزد کم در سخت ترین شرایط بهداشتی حاضرند کار کنند. در ضمن کارفرمایان بابت بیمه و سایر تسهیلات رفاهی بولی پرداخت نمی کنند. یکی از کارفرمایان در این مورد می گفت: "اخراج کارگران خارجی کار بسیار ساده ای است، چون دیگر با وزارت کار درگیری پیدا نمی کنیم"

ناگفته نماند که بیشتر کارگران روزی دوازده ساعت کار می کنند و حداکثر مزد آنها ۶۰۰ تا ۷۰۰ ریال است.

یکی از کارگران کارخانه گالش سازی صدیقی، در این مورد اظهار داشت که: "با این حقوق کم نمی توانیم زندگی خود را اداره کنیم. نه سورا داریم و نه چیزی که به درد ما برسد. در این کارگاه حتی حدود هفت نفر از کارگران را کودکان ۷ تا ۱۲ ساله تشکیل می دهند، که با ۱۲ ساعت کار، فقط روزانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ ریال دستمزد دریافت می کنند."

این کارگران خردسال معمولاً با سرو

صورت کثیف و رنگی در میان زباله ها و کفش های کهنه و باره دائماً در حال آمد و رفت هستند. وقتی در مورد آنها از کارفرما سؤال کردیم، گفت: "اینها کودکان محصلی هستند که پدر و مادرشان بخاطر اینکه در خانه شیطنت نکنند، آنها را به اینجای آوردند و ما هم روزی چند تومان به آنها مزد می دهیم، تا در کوجه و خیابان سرگردان نشوند."

برای کسب اطلاع بیشتر در مورد کارگران خردسال، با یکی از آنها به گفتگو نشستیم. او گفت: "من نزدیک به یکسال ونیم است که در اینجا کار می کنم و هفته ای مزد می گیرم. کارفرما مزد را به این دلیل هفته ای می پردازد که، بنا به گفته خودش، اگر از کارگری ناراضی بود، بتواند او را فوراً اخراج کند. ما هم از ترس اینکه بنیاداً اخراج شویم، مطابق دستور کارفرما عمل می کنیم."

از یکی از کارگران در مورد بیمه سؤال کردیم. گفت: "حدود سه سال است که اینجا کار می کنم، ولی کارفرما بخاطر اینکه پول کمتری بابت بیمه بپردازد، سابقه کار مرا یکسال بحساب آورده است."

ناگفته نماند که برخی از کارگران ایرانی این کارگاه ها، که سابقه خدمت ۳-۴ ساله دارند، در اثر فشار اداره بیمه های اجتماعی و خود کارگران بیمه شده اند.

در این کارگاه ها برخی از کارگران به بیماری های انگلی و میکروبی مبتلا هستند که از جمله بیماری های مالاریا و وبا را می توان نام برد. این بیماری ها سلامت دیگر کارگران را مورد تهدید قرار می دهد. از جمله علل بروز این گونه بیماری ها، عدم کنترل دقیق بهداشتی از جانب مقامات مسئول است، که اقدام به پیشگیری

## کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!



# استقلال

عمده‌ترین هدف انقلاب بزرگ ایران، کسب استقلال کشور و عمده‌ترین وظیفه‌ای که در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، تامین استقلال کشور، حفظ آن، تحکیم آنست. حفظ و تامین و تحکیم استقلال کشور، وظیفه مقدسی است که در برابر هر انقلابی راستین قرار گرفته است.

معنا و مفهوم استقلال روشن است. استقلال یعنی عدم وابستگی. ولی استقلال با عدم وابستگی به معنای انزواطلبی، به معنای قطع رابطه با دیگر کشورها، به معنای دیوار کشیدن به دور کشور نیست. یک چنین "استقلالی" نه ممکن است و نه مفید. ما وقتی بتوانیم احترام به تمامیت ارضی کشور و احترام به حق حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را تامین کنیم، وقتی قادر باشیم که در عرصه سیاست، چه سیاست خارجی و چه داخلی، راسا تصمیم بگیریم و در عرصه اقتصاد مناسبات برابر حقوق با سود عادلانه متقابل با دیگر کشورها برقرار کنیم، یعنی وقتی ما در تمام شئون زندگی، اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، بازرگانی، فرهنگی و غیره خودمان، بر مبنای مصالح کشور و به سود رشد و ترقی وطن‌مان، راسا تصمیم اتخاذ کنیم، و هرگونه رابطه با دیگر کشورها را بر مبنای احترام متقابل، حقوق برابر و سود متقابل عادلانه برقرار کنیم، استقلال کشورمان تامین کرده‌ایم. این معنی و مفهوم واقعی استقلال است.

ولی این معنی و مفهوم واقعی استقلال، از طرف نمایندگان بورژوازی لیبرال ایران، که ابدًا خواهان استقلال نیست، عمداً و از طرف برخی استقلال طلبان صادق، سهواً دگرگون عرصه می‌شود. بورژوازی لیبرال ایران که معتقد است "چون وابسته بوده‌ایم، به ناچار باید وابسته بمانیم"، یعنی وابستگی ایران را امری محتوم می‌داند و از این مواضع می‌گوید که وابستگی ایران رابه امپریالیسم حفظ کند (این سیاست ناشی از منافع طبقاتی و منطبق بر نفع طبقاتی اوست)، مسئله را چنین طرح می‌کند: در جهان امروز ما عدم وابستگی ممکن نیست. همه کشورهای جهان یا به "شرق" و یا به "غرب"، یا به آمریکا و یا به شوروی وابسته‌اند. هیچ کشوری در این جهان مستقل نیست. پس وابستگی امری است ناگزیر. ما نمی‌توانیم وابسته نباشیم. "به ناچار باید وابسته باشیم". اگر شما از این آقایان بپرسید که: مگر مثلا سوریه وابسته است و مگر الجزایر مستقل نیست؟ خیره به چشم شما نگاه می‌کنند و یا گستاخی پاسخ می‌دهند که اینان به "روسیه" وابسته هستند. به ادعای اینان هیچ کشوری مستقل و غیروابسته نیست و نمی‌تواند باشد.

هدف نمایندگان بورژوازی لیبرال از نفي امکان استقلال معلوم است. اینان با نفي امکان قطع وابستگی، با نفي امکان برقراری مناسبات غیر وابسته با دیگر کشورها، از جمله و بخصوص با کشورهای سوسیالیستی، و نیز با دیگر کشورهای غیر وابسته "جهان سوم" می‌خواهند ایران را ناگزیر سازند که مجدداً در راه قبول وابستگی به کشورهای امپریالیستی و بخصوص به آمریکا قرار گیرد.

از سوی دیگر، برخی استقلال طلبان صادق به خطا تصور می‌کنند که هرگونه رابطه با دیگر کشورها نوعی وابستگی است. اینان بدون این که خود بخوانند، افراد و انزوی کشور استقلال می‌دانند. خودکفائی را به معنای بی‌نیازی مطلق می‌دانند. توجه ندارند که حتی کشوری مانند آمریکا، با قدرت عظیم تولیدی و با نروت عظیم طبیعی و با سرزمین فوق‌العاده حاصلخیز، و یا حتی کشوری مانند شوروی، با نظام توانگر و توان بخش اجتماعی - اقتصادی سوسیالیستی و با نروت طبیعی بیکران، باز هم نیازمند مبادلات و در نتیجه داشتن مناسبات با دیگر کشورهای جهان هستند. هدف این زمره از استقلال طلبان، البته تامین استقلال کوراست، ولی آنها مفهوم واقعی استقلال را به درستی نمی‌دانند و به خاطر گریز از وابستگی، که ایران قبل از انقلاب رهائی بخش ۲۲ سہمن همیشه دچار آن بوده، قطع هرگونه رابطه را کلید استقلال تصور می‌کنند و در نتیجه، به جای کوشش در راه تامین استقلال، در راه انزوا و انفراد کشوری می‌رانند.

این حقیقت امروز دیگر بر همه کس معلوم است و ما با تجربه تلخ به عقب آن پی برده‌ایم که، کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری، یعنی

کشورهای سرمایه‌داری که به مرحله امپریالیستی رسیده‌اند، استعمارگرند. آنها هر سوری را که بتوانند زیر سلطه سیاسی خود می‌گیرند، اقتصاد آن را به خود وابسته می‌سازند و آن را، تا جایی که بتوانند، در معرض غارت بی‌امان قرار می‌دهند. ولی آیا سیاست استعمارگرانه کشورهای امپریالیستی هم‌جا قابل اعمال است؟ آیا هرگونه برقراری رابطه با این کشورها قبول استعمار است؟ نه چنین نیست. سیاست استعمارگرانه و قصد غارت چیزی است و اعمال این سیاست چیز دیگر. این امکان در شرایط کنونی جهان وجود دارد که کشوری، از موضع حفظ بی‌خودگی استقلال خود، با کشورهای امپریالیستی معاملات مشخصی بر مبنای حقوق برابر و نفع متقابل انجام دهد. مثلا کشورهای سوسیالیستی، و از جمله اتحاد شوروی، با کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری، یعنی با کشورهای امپریالیستی معاملات مشخصی انجام می‌دهند، بدون این که این معاملات کمترین خدشهای به به استقلال آنها وارد کند. بدیهی است که کشورهای امپریالیستی همیشه سعی دارند، از مجرای این معاملات، به نحوی راهی برای نفوذ مخرب خود در کشورهای سوسیالیستی پیدا کنند. ولی این راه از طرف کشورهای سوسیالیستی مسدود است و مسدود می‌شود. کشورهای مستقل "جهان سوم"، یعنی کشورهای رشد یافته - ای که به حفظ استقلال خود و تحکیم آن پای بندند، نیز می‌توانند از موضع حفظ استقلال با کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری معاملات مشخصی انجام دهند. این رابطه البته به دلیل خصلت غارتگرانه و سیاست استعمارگرانه کشورهای امپریالیستی دشوار است، ولی غیرممکن نیست. اگر این کشورهای رشد یافته استقلال طلب خود را در "جهان سوم" سرمایه‌داری محصور نکنند، اگر آنها مناسبات خود را با کشورهای سوسیالیستی بگسترانند، این امکان را می‌یابند که کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری را وادار به قبول معاملات مشخصی بر مبنای برابری حقوق و سود متقابل عادلانه کنند. این امکان ناشی از اوضاع جهان معاصر، ناشی از وجود کشورهای سوسیالیستی و گروهی کشورهای مستقل در "جهان سوم" است.

حقیقت دیگری که وجود دارد، ولی زیر پرده دود غلیظ تبلیغات گسترده امپریالیستی تا حدود زیادی از انظار مردم کشورهای "جهان سوم" پنهان مانده، این است که کشورهای سوسیالیستی در برقراری مناسبات با دیگر کشورها نه فقط قصد سودجویی یک طرفه ندارند، بلکه خواستار رشد مستقل کشورهای "جهان سوم" اند. به تجربه می‌توان این حقیقت را شناخت. امپریالیسم، با دستگاه تبلیغاتی عظیم خود، همواره می‌کوشد چنین وانمود سازد و به خلق‌های استقلال طلب کشورهای "جهان سوم" جنسین تلقین کند که کشورهای سوسیالیستی، و بویژه

اتحاد شوروی، نیز مانند کشورهای امپریالیستی سیاستی سلطه‌جو و غارتگرانه دارند. گویا فرق چندانی بین کشورهای امپریالیستی و کشورهای سوسیالیستی، بین آمریکا و شوروی نیست و گویا برقراری مناسبات با امپریالیسم آمریکا، قبول وابستگی است، و بنابراین گویا قبول وابستگی در هر صورت امری ناچار و ناگزیر است. هدف از این تبلیغات ممانعت از برقراری مناسبات از طرف کشورهای "جهان سوم" با کشورهای سوسیالیستی است، تا در نتیجه این کشورها در وابستگی به کشورهای امپریالیستی باقی بمانند. ولی واقعیت این است که کشورهای سوسیالیستی در برقراری مناسبات با کشورهای "جهان سوم" اگر نفعی را تعقیب می‌کنند، این نفع دقیقاً بر مینا و در نتیجه رعایت حقوق برابر و سود متقابل عادلانه ناشی از سرشت نظام اجتماعی - اقتصادی سوسیالیسم است و در عین حال وسیله‌ای است برای شکستن پایه‌های مناسبات استعماری، کمک به رشد مستقل کشورهای "جهان سوم"، که بتدریج عرصه را بر امپریالیسم تنگ می‌کند، امپریالیسم - دشمن آستی‌ناپذیر سوسیالیسم - را تضعیف می‌کند، زمینه جهانی برای درهم شکستن امپریالیسم، رهایی جهان از این غارتگرانه‌ترین سیر ناپذیر، فراهم می‌سازد. به همین دلایل، یعنی هم به دلیل سیاست ناشی از سرشت نظام سوسیالیستی و هم به دلیل نبردی که در دوران ما بین سوسیالیسم و امپریالیسم جریان دارد، کشورها - کشورهای سوسیالیستی با کشورهای رها از قید اسارت سیاسی امپریالیسم، نه فقط مناسبات برابر حقوق برقرار می‌کنند، بلکه با کشورهای از این گروه، که درگیر نبرد با امپریالیسم برای تامین استقلال خویشند، مناسباتی بر مبنای حمایت از آنها برقرار می‌سازند. این دروغ محض است که کشورهای نظیر سوریه، لیبی، الجزایر، یمن دموکراتیک، آنگولا، موزامبیک، تانزانیا، ویتنام، لاوس، کامبوجیا، کینه‌بشائو، کنگو، هندوستان... که با کشورهای سوسیالیستی و با اتحاد شوروی روابط گسترده برقرار کرده‌اند، وابسته به "شرق" شده‌اند. درست برعکس، کشورهای نامبرده و کشورهای نظیر آنها، با برقراری مناسبات گسترده با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، استقلال واقعی خود را در تمام زمینه‌ها و شئون زندگی تحکیم کرده‌اند. آیا کوبا نمودار درخشان این واقعیت نیست، که برقراری مناسبات گسترده با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی باعث حفظ و تامین استقلال می‌شود، و نه برعکس آن؟

چندی پیش - چنان که می‌دانیم - یک

نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی در تهران تشکیل شد. در این نمایشگاه جمعاً ۱۳ کشور شرکت کردند، که از آنها ۹ کشور، کشور سوسیالیستی بودند. کسانی که از این نمایشگاه دیدن کردند، مشاهده کردند که در برابر اطریش - کشور صنعتی رشد یافته سرمایه‌داری، که لباس و وسایل اسکی عرضه کرده بود، کشورهای سوسیالیستی به طور عمده کالاهای "سرمایه‌ای"، که می‌توانند بنیه رشد مستقل کشور ما را تقویت کنند، پیشنهاد کرده بودند. به اضافه، نمایندگان تمام کشورهای سوسیالیستی در این نمایشگاه موکداً اعلام داشتند که آنها آماده‌اند، بدون هیچ قید و شرط سیاسی، نیازمندی‌های ایران را برآورده سازند. مطلب مثل آفتاب روشن است و هر قدر مبلغان آشکار و سسپهان امپریالیسم بر روی این آفتاب گل بمانند، نمی‌توانند آن را کور کنند.

حقیقت دیگری که باید در نظر گرفت این است که، هیچ کشوری بی‌نیاز از برقراری مناسبات با دیگر کشورها نیست. هر کشوری، اعم از بزرگ یا کوچک، سوسیالیستی یا سرمایه‌داری، رشد یافته یا رشد یابنده، نیازمند برقراری روابط و مناسبات معینی با دیگر کشورها است. منتها مناسبات داریم تا مناسبات. مناسباتی که مبتنی بر سلطه - جویی و سلطه‌پذیری، نابرابری حقوق و نابرابری بهره‌گیری باشد، برای کشوری مستقل، برای کشوری که برای خودتایستی و احترام و حق حیات قائل باشد، پذیرفتنی نیست. مناسباتی که مبتنی بر احترام متقابل به حق حاکمیت، بر عدم مداخله در امور داخلی، بر برابری حقوق و نفع عادلانه متقابل باشد، نه فقط پذیرفتنی است، بلکه بویژه نیاز کشورهای مستقل رشد یافته نظیر کشور ما است.

ممكن است گفته شود، بسیار خوب، مابه این مطالب توجه داریم، ولی اولاً ما برای کشورهای سوسیالیستی همه این خصوصیات که شما بر سمردید، قائل نیستیم، و ثانیاً در این جهان بیست و یک ساله از ۱۵۰ کشور وجود دارند، که غیر از چند کشور امپریالیستی استعمارگر، تشخیص درجه حسن نیت و سونیت آنها تا حد غیرممکن دشوار است. چگونه می‌توان از این کلاف سردرگم، به سلامت خارج شد؟

ساخت به نظر ما در یک کلمه خلاصه می‌شود: "تجربه". ما از موضع حفظ استقلال بی‌خود خود، برای رفع نیازمندی‌های خود در هر عرصه‌ای از زندگی که نیازمندی داریم، درصد برقراری مناسبات با دیگر کشورها برمی‌آئیم. هر یک از این کشورها، ضمن احترام به استقلال و حق حاکمیت ما، بدون مداخله در امور داخلی ما، بر مبنای برابری حقوق و نفع متقابل عادلانه، آماده برای همکاری بودند، ما با آنها همکاری می‌کنیم، و الا فلا.

**برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق**

بجای وستینگهاوس و زیمنس به جای شرکت‌های الکتریکی آمریکایی، بیاید، هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد. ولی آن‌ها خودشان خوب می‌دانند که سر همه این شرکت‌های چند ملیتی به یک جا بند است: به مرکز انحصارهای بزرگ جهان سرمایه‌داری. همه آن‌ها صرفنظر از دعوای بی‌کسب با هم دارند، رقابت‌هایی که با هم دارند، در یک اصل با هم موافقت و آن غارت کشورهای محروم و سرکوب جنبش‌های اصیل ضد امپریالیستی است. نمونه کوچک این جهان غارتگر را ما در همین بازار تهران مشاهده می‌کنیم. مگر در بازار تهران بین این زالوهای بزرگ غارتگر رقابت نیست، مگر آن‌ها توی سرهم نمی‌زنند که لقمه چاقی تر و چرب‌تر را برآیند. ولی علی‌رغم این ستیزها، همه آن‌ها در غارت مردم صد درصد با هم موافق هستند. با یک تلفن قیمت آهن ناگهان همه‌جا بیست درصد بالا می‌رود. همین وضع در مقیاس بزرگ جهانی هم در بین نمایندگان انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری وجود دارد. بنابراین دعوایی که آتش آن الان در ایران گر گرفته به هیچ وجه بر سر این نیست که فلان دادگاه یا فلان مرجع زیاده‌روی کرده و از حد خود فراتر نهاده است. البته همان طور که ما بارها گفته‌ایم باید پدیده‌های نا- سالم، با این کمبودها و نقایص باید مبارزه کرد و با شهادت هم باید مبارزه کرد، ولی این دعوی اساسی نیست. دعوی اساسی همان است که نماینده "میزان" مطرح می‌کند. دعوی بر سر جگونگی سمت‌گیری اساسی انقلاب ایران است و از آنجا که حزب ما از همان آغاز برای تقویت سمت‌گیری ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب مبارزه کرده است، در مرحله کنونی نیز در همین جهت عمل خواهد کرد. ما از آن سمت دفاع می‌کنیم که به طور عمده هر جهت خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی باشد و اصالت این خط را حفظ کند و نگذارد هجومی که از هر طرف علیه این خط آغاز شده است به نتیجه برسد. سمت ما تاکنون پشتیبانی از این جهت دعوا بوده و در آینده هم در همین جهت خواهد بود.

## پرسش و پاسخ

بقیه از صفحه ۳

امروز هواداران تئوری جدید "القاء ایدئولوژی" ادعا می‌کنند که حزب توده ایران افکار خود را از راه‌های مختلف مخفی در روحانیت مبارز سرخ داده و روحانیت مبارز دارد کمونیسم را پیاده می‌کند. خوب این چه تفاوتی دارد با ادعای "تهران‌مصور" و "شاهد" در دوران قبل از ۲۸ مرداد که مدعی بودند حزب توده دیگر فقط تنها پایگاه مصدق است و مصدق هم دارد ایران را به کمونیسم تحویل می‌دهد؟ ما این جریان را الان به خصوص در زمینه مسئله مناسبات با آمریکا مشاهده می‌کنیم. چنین وجه تشابهی بین ۲۸ مرداد و لحظه کنونی وجود دارد. الان در عرصه سیاست ایران دو گرایش‌ها هم در نبردند. یکی گرایش لیبرال‌ها یعنی گرایش سازش و کنار آمدن با امپریالیسم و چسبیدن به دنبای سرمایه‌داری و یکی هم گرایش خلقی یعنی مقاومت در برابر هرگونه فشار آمریکا و این که ما روابط با آمریکا را می‌خواهیم چه کنیم، مناسبات با آمریکا همیشه مناسبات گریز و بره، مناسبات غارتگر و غارت شده بوده و این مناسبات را باید قطع کنیم. ما تا آخر عمر علیه آمریکا در جنگیم. چرا؟ برای این که آمریکا از ایران دست بردار نیست. آمریکا محال است که بتواند با انقلاب ایران تا وقتی که این انقلاب چنین محتوایی دارد، سازگار نشان دهد. در تاریخ آمریکا، در تاریخ امپریالیسم چنین چیزی دیده نشده است. پس وقتی ما این ماهیت را می‌شناسیم باید خودمان را برای نبرد دائمی با آمریکا آماده کنیم. اما امثال "میزان" و دیگران در این زمینه عقیده دیگری دارند. آن‌ها می‌گویند ما باید با آمریکا مناسبات داشته باشیم، حال اگر در شرایط کنونی به علت مخالفت شدید مردم، نمی‌توانیم چنین مناسباتی داشته باشیم، اقلاً با آلمان غربی، فرانسه، ژاپن، انگلستان، حتماً باید مناسبات داشته باشیم، زیرا اگر کروب

در جلسه علنی مجلس گفته شد:

پیش بسوی توزیع عادلانه امکانات آموزشی برای همه

برای مشارکت دادن مردم در آموزش و پرورش طرح وسیعی در دست مطالعه است

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، طرح دیوان محاسبات و سؤال یکی از نمایندگان از وزارت آموزش و پرورش مطرح شد. اولین نایب پیش از دستور جلسه دیروز، دکتر سجادی نماینده کرج بود، که در مورد مشکلات حوزه انتخابیه خود، سیاه پاسداران و جهاد سازندگی سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت: «میاد کسی در این نهاد (سیاه پاسداران) پیدا شود که نفعی در آن بپوشد، آورد، ضد انقلاب می خواهد این نهاد را منکوب کند. وی در مورد جهاد سازندگی گفت: «این نهاد با این فعالیتهای انقلابی باید مورد پشتیبانی قرار گیرد. دکتر سجادی در پایان در مورد حملات دشمنان انقلاب به روحانیت مبارز سخن گفت. نایب بعدی جلسه دیروز، صاحب الزمانی، نماینده اسدآباد بود که در باره ولایت فقیه صحبت کرد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد. در آغاز معاون پارلمانی وزارت بهداشت لایحه این وزارتخانه را در ارتباط با وضع معادین به مجلس تقدیم کرد.

با ورود اعضای شورای تکلیف به مجلس، بحث در مورد طرح دوفوریتی دیوان محاسبات شروع شد. دنباله بحث در این مورد به امروز موکول شد.

آنگاه سؤال دکتر یدالله سجادی از وزارت آموزش و پرورش مطرح شد. سؤال دکتر سجادی به این شرح بود:

۱- انگیزه دولتی کردن مدارس ملی چه بوده است؟

۲- تعداد مدارس ملی در سطح مملکت و تهران، که مشمول این تغییر شده و می شوند، چندتای است؟

۳- تعداد دانش آموزانی که در مدارس ملی تحصیل می کردند، چند نفر بوده است (سال ۵۸)؟

۴- بودجه ای که تاکنون برای این تغییرات مصرف شده و خواهد شد، چقدر بوده و از کجا تامین شده است؟

دکتر جوان باهنر وزیر آموزش و پرورش در مقام پاسخگویی اظهار داشت:

«از سال گذشته این تصمیم در شورای انقلاب گرفته شد که مدارس ملی دوتایی شوند. چند انگیزه برای ابتکار وجود داشت. یازده انگیزه این بود که مدارس ملی با هدفی مختلف بوجود آمده بود. در تهران ۱۳۰ مدرسه ملی (بین المللی - انتفاعی - اقلیتها - اسلامی و بنگونه های دیگری) بودند. از آنجا که قرار شد ما آموزش و پرورش را با هدفهای نظام جمهوری اسلامی تطبیق بدهیم، ما مدارس را که با هدفهای گوناگون تشکیل شده بود و

فرانسه و آمریکا، اروپای غربی و آمریکا، از هم جدا نیستند

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در مساجحه با شبکه سی.بی.اس. آمریکا در مورد مسئله جنگ تجاوزی رژیم صدام علیه ایران از جمله اظهار داشت: «فرانسه با اشاره آمریکا در محاصره اقتصادی علیه ما شرکت میکند و الان هم به عراق اسلحه میدهد. رئیس مجلس خاطرنشان کرد:

«فرانسه و آمریکا از هم جدا نیستند و بطور کلی اردوگاه غرب حامی عراق است، به این دلیل که با جمهوری اسلامی ایران مخالفت، زیرا ما منافع آنرا در منطقه به خطر انداخته ایم.» (اطلاعات، ۱۵ آذر ماه ۵۹)

اظهارات حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تأکیدی بر این واقعیت است که همه دولتهای آمریکایی، به سرکردگی امریکاییسم آمریکا، ماهیتی همگون و منافی مشترک دارند و به همین علت سرخورد و مواضع آنان نسبت به جنبشها و انقلابات خلقی، که بخاطر رهایی از زیر سلطه استعماری و نواستعماری و قطع هرگونه وابستگی سیاسی و اقتصادی و نظامی و کسب استقلال ملی انجام گیرد - صرف نظر از رقابتها و اختلافات داخلی آنها - در اساس یکسان است.

ما بارها به توضیح این مطلب پرداخته ایم که در مبارزه بر ضد امریکاییسم آمریکا بخاطر کسب استقلال کامل و قطع وابستگیهای کشورمان و عظیم گذاردن توطئه های آن در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی، نمیتوان به حمایت و پشتیبانی دول امریکایی اروپای غربی و یا ژاپن متکی بود.

تجارب همه خلقها و همه مبارزان بر ضد امریکاییسم و بخاطر کسب استقلال ملی پیروز شده اند و نیز تجربیات زنده سراسر دوران پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم کشورمان، موبد این واقعیتند، پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، دول امریکاییستی اروپای غربی و ژاپن به تبعیت از سیاست امریکاییسم آمریکا در تمام توطئه ها و اقدامات فتنار و تخریب علیه انقلاب جمهوری اسلامی ایران شرکت کرده اند. کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در محاصره اقتصادی آمریکا علیه ایران شرکت جستند و توطئه های دولت آمریکا، از جمله تجاوز نظامی نافرجام آمریکا به سپاه آزادی «گرگانیا» را، که در واقع هدفش براندازی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران بود، تأیید کردند. فرانسه و انگلستان و آلمان غربی به پیشنهاد دولت آمریکا واحدهائی از نیروهای دریایی خود را زیر عنوان «حفاظت آبراه محدودات نفتی» به منطقه خلیج فارس اعزام کردند و در مانورهای مشترک نیروی دریائی آمریکا، که هدفش قدرت نمائی و تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران بود، شرکت جستند.

پس از تجاوز نظامی رژیم جنایتکار صدام حسین به خلق جمهوری اسلامی ایران، که به تحریک و طبقه بندی توطئه امریکاییسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت، دولت فرانسه بزرگترین قرارداد کمک نظامی با عربستان سعودی را مبلغ ۵۰ میلیارد دلار به مرحله اجرا آورد و چنانکه میدانیم، عربستان سعودی نخستین کشور عربی بود که از تجاوز رژیم صدام به ایران پشتیبانی کرد و آمادگی خود را برای کمک به داروغسته صدام حسین اعلام نمود. علاوه بر این، دولت فرانسه تقاضای دولت پس عراق را در مورد تسریع در انجام سفارش اسلحه و تجهیزات نظامی پذیرفت که از آنجمله فروش شصت فروند هواپیمای جنگی از نوع میراژ به عراق است.

دادن امکانات وسیع فعالیت آزاد به گروهها و عناصر ضدانقلاب در کشورهای اروپای غربی و بویژه فعالیتهای گسترده شاپور بختیار و نژی و امینی و ژنرالهای جنایتکار فراری از قییل اویسی، آریانا، فریدون جم در پایتخت فرانسه و تبلیغات رسانه های گروهی و مطبوعات وابسته به محافل امریکاییستی در این کشورها علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، همه نشانگر آنست که فرانسه و دیگر دول امریکاییستی اروپای غربی نیز انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نمیتوانند تحمل کنند و برخورد و روش خصمانه با آن نداشته باشند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی بدرستی روی این مطلب تأکید میکنند که:

«فرانسه و آمریکا از هم جدا نیستند و بطور کلی اردوگاه غرب حامی عراق است به این دلیل که با جمهوری اسلامی مخالفت، زیرا ما منافع آنرا در منطقه به خطر انداخته ایم.»

ولی برغم این واقعیت، هنوز هستند کسانی که میکوشند حساب دول امریکاییستی اروپای غربی و ژاپن را از حساب امریکاییسم آمریکا جدا کنند. در حالیکه این راه، صرف نظر از نیات و مقاصد از راه دهندگان آن، همان راهیست که ناگزیر به وابستگی مجدد کشور به دول امریکاییستی اروپای غربی و ژاپن و سرانجام امریکاییسم امریک منجر خواهد شد.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی بدرستی روی این مطلب تأکید میکنند که:

«فرانسه و آمریکا از هم جدا نیستند و بطور کلی اردوگاه غرب حامی عراق است به این دلیل که با جمهوری اسلامی مخالفت، زیرا ما منافع آنرا در منطقه به خطر انداخته ایم.»

ولی برغم این واقعیت، هنوز هستند کسانی که میکوشند حساب دول امریکاییستی اروپای غربی و ژاپن را از حساب امریکاییسم آمریکا جدا کنند. در حالیکه این راه، صرف نظر از نیات و مقاصد از راه دهندگان آن، همان راهیست که ناگزیر به وابستگی مجدد کشور به دول امریکاییستی اروپای غربی و ژاپن و سرانجام امریکاییسم امریک منجر خواهد شد.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی بدرستی روی این مطلب تأکید میکنند که:

«فرانسه و آمریکا از هم جدا نیستند و بطور کلی اردوگاه غرب حامی عراق است به این دلیل که با جمهوری اسلامی مخالفت، زیرا ما منافع آنرا در منطقه به خطر انداخته ایم.»

ولی برغم این واقعیت، هنوز هستند کسانی که میکوشند حساب دول امریکاییستی اروپای غربی و ژاپن را از حساب امریکاییسم آمریکا جدا کنند. در حالیکه این راه، صرف نظر از نیات و مقاصد از راه دهندگان آن، همان راهیست که ناگزیر به وابستگی مجدد کشور به دول امریکاییستی اروپای غربی و ژاپن و سرانجام امریکاییسم امریک منجر خواهد شد.

این هفته در نامه مردم، بزبان کردی میخوانید:

- گرامی یاد خاطره ۱۶ آذر.
- پیروزیاد فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان!
- دود بر زنان و دختران مبارز ایران!
- چگونه می توان و باید متحد شد.
- روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی را تضعیف نکنید.
- حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: کشورهای عضو جنبه پایداری، آماده هر نوع همکاری استراتژیکی و تاکتیکی با ما هستند.
- نه، این قافله را سر بازیستان نیست!
- رفیق هوادار توده ای در جنبه های جنگ شید شدند.
- املاهی سازمان حزب توده ایران در سقز:
- در برابر ضدانقلاب بیخیزیم!
- مائوئیستیهای خائن دیسکاره علیه جمهوری اسلامی ایران مسلح می شوند.
- املاهی هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم):
- خلق کرد باید بدانند که حل مسئله کردستان در گرو پیروزی انقلاب ایران است.
- در تظاهرات و تجمع مردم قم، بازاربان تهران و مشهد: توطئه علیه رهبری انقلاب و روحانیت مبارز زیدیا محکوم شد.

نامه مردم، بزبان کردی هر هفته بنه شنبه ها منتشر می شود

روزنامه نگار برجسته فلسطینی در مجموعه مقالات شخصیتهای سیاسی - اجتماعی خاورمیانه، درباره انقلاب افغانستان نوشت:

انقلاب افغانستان حلقه ای از زنجیره پیروزی جنبشهای آزادیبخش ملی است

این مجموعه در بیروت منتشر شده است.

بنگاه انتشاراتی «اسوارتا کوس» بیروت، مجموعه مقالات شخصیت های برجسته سیاسی و اجتماعی خاورمیانه را درباره انقلاب افغانستان چاپ و منتشر کرده است. در این کتاب، توطئه های امریکاییسم، صهیونیسم و ارتجاع غرب علیه افغانستان و فعالیتهای خرابکارانه آمریکا و دیگر کشورهای امریکاییستی و دستنمادگان آنها در این کشور افشاء می شود. هسته اصلی مقالات را این اندیشه تشکیل می دهد که: مسئله افغانستان توسط امریکاییستها دامن زده شده است. بسام ابوشریف، عضو دفتر سیاسی جنبه خلق برای آزادی فلسطین، در مقاله خود تأکید می کند که:

«بعد از سرنگون شدن رژیم شاه مخلوع، امریکاییسم آمریکا برای حفظ «منافع» خود در خاورمیانه، که مهمترین منبع نفت غرب است، به دست و پا افتاد و حضور نظامی خود را در خاورمیانه بوسیله نیروی واکنش سریع افزایش داد. آمریکا درصدد ایجاد پایگاه در عمان، سومالی، کنیا و دیگر نقاط برآمد. علم کردن «تهدید شوروی» برای آماده کردن افکار عمومی آمریکا در جهت اتخاذ همین سیاست و در نتیجه افزایش بودجه نظامی کشور است.»

سیرگوشا، دبیرکل جنبه فلسطینی «مبارزه خلق» در مقاله خود می نویسد: «اقدامهای تجاوزکارانه نیروهای امریکاییسم، صهیونیسم و ارتجاع برهبری آمریکا، نه تنها امنیت و صلح منطقه را تهدید کرده، بلکه تشنج جهانی را افزایش می دهد و به جنگ ویرانگر جهانی منجر می شود.»

جنبه دمکراتیک ملی (بمن شمال) نوشته است: «محافل غربی تلاش دارند که اقدامهای امریکاییسم را از طریق این ستاوایز توجیه کنند که گویا هدف از این اقدامها، دفاع از خاورمیانه در برابر «تهدید کمونیسم» است. اما بوج بودن این تبلیغات همراه کننده بر کسی پوشیده نیست، زیرا جهان هرگز شاهد آن نبوده است که جامعه سوسیالیستی، و در پیشانی آن اتحاد شوروی، به شکلی از اشکال به تحت سلطه قرار ندهد و استعمارگر و استعمارزده ملی خلفا دست زده باشند. اما جهان بخوبی شاهد غارت و چپاول ثروت خلقها بوسیله قدرتهای غربی است.»

فیض، شخصیت برجسته پاکستانی نیز در مقاله خود تبلیغات غرب را درباره افسانه «تهدید اسلام و کشورهای خاورمیانه»، که کروی از باسطلاح مسئله افغانستان نامی می شود، سراپا بر اساس ر مشتمل کننده خواند و نوشت:

«آیا این آمریکا نیست که شمشیر صهیونیستی را در قلب دنیای اسلام فرو کرده و به متجاوزان اسرائیلی در سرکوب خلقهای عرب کمک می کند؟»

این شخصیت برجسته پاکستانی می افزاید: «البه کشورهای اسلامی تهدید می شوند، ولی نه از سوی افغانستان و یا از سوی اتحاد شوروی، بلکه از سوی امریکاییسم جهانی و بویژه امریکاییسم آمریکا، که خاورمیانه را منطقه «منافع حیاتی» خود میداند و حق مداخله بخود می دهد. هیاهو درباره افغانستان نیز تنها برای سرویوش گذاشته به این مقاصد است، زیرا هدف آمریکا و متحلات آن سلطه کامل بر لروتهای کشورهای اسلامی است.»

در تعدادی از مقالات دیگر این کتاب ارزنده، به اهمیت پیروزی انقلاب افغانستان برای مبارزه موفقیت آمیز جنبش آزادیبخش ملی در سطح جهان اشاره شده است.

از جمله جلیل هلال روزنامه نگار برجسته فلسطینی نوشته است: «انقلاب تور افغانستان حلقه ای از زنجیره پیروزی جنبشهای آزادیبخش ملی در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین است. این پیروزی، اردوگاه امریکاییسم را تصفیه کرده و در همان حال مبارزه جنبشهای انقلابی جهانی را تقویت کرده و آنرا به سطح بالاتری ارتقاء داده است.»

است، باید سرانجام انقلاب را در زندگی خود احساس کند، باید هر قدم و هر قلم مسئولان را گامی در راه کشورند گرمی در زندگیشان ببیند.

اقدامات و برنامه های انقلابی مسئولان میتوانند توده های را که در اعماق فقر و بیسوادی و محرومیت، زندگی بساخته اند، مستحکم شود و آنها را بر مسند یک زندگی انسانی بنشاند، به خیل بیکارانی که هم امروز بر سر چهار راهها و کنار خیابانها، در انتظار یک کارفرما هستند، شغل مناسب عرضه کند، به مردم بیسواد سواد و تخصص بیاموزد، فرهنگ و بهداشت را در اختیار همگان قرار دهد، بار گرانی و تورم را از دوش محرومان بردارد و شر غارتگران و سرمایه داران طاغوتی را از سرشان کوتاه کند.

اقدامات انقلابی دولت و مسئولان باید بتواند این سوسه شیطانی ضدانقلاب را باطل کند که: «کاسه همان کاسه است و آتش همان آتش» و تغییر و تحول و انقلاب را بسود توده های محروم زحمتکش در هر گام نشان دهد. احکام خمینی بر «کیفیت عمل بوروکراتیک کار را به دور افکند و از وزیر تا کارمند خود را خادم مردم بدانند و نه ارباب و آقای آنان.»

سوی این، دگرگونی انقلابی در زندگی توده ها، هر چه زودتر و هر چه فوری تر ضروری است، که جز با برنامه ریزی اقتصادی و عمرانی میسر نیست. این توده های میلیونی محروم، که زمین فرسشان و آسمان لحنانشان

سوی این، دگرگونی انقلابی در زندگی توده ها، هر چه زودتر و هر چه فوری تر ضروری است، که جز با برنامه ریزی اقتصادی و عمرانی میسر نیست. این توده های میلیونی محروم، که زمین فرسشان و آسمان لحنانشان

سوی این، دگرگونی انقلابی در زندگی توده ها، هر چه زودتر و هر چه فوری تر ضروری است، که جز با برنامه ریزی اقتصادی و عمرانی میسر نیست. این توده های میلیونی محروم، که زمین فرسشان و آسمان لحنانشان

سوی این، دگرگونی انقلابی در زندگی توده ها، هر چه زودتر و هر چه فوری تر ضروری است، که جز با برنامه ریزی اقتصادی و عمرانی میسر نیست. این توده های میلیونی محروم، که زمین فرسشان و آسمان لحنانشان

سوی این، دگرگونی انقلابی در زندگی توده ها، هر چه زودتر و هر چه فوری تر ضروری است، که جز با برنامه ریزی اقتصادی و عمرانی میسر نیست. این توده های میلیونی محروم، که زمین فرسشان و آسمان لحنانشان

سوی این، دگرگونی انقلابی در زندگی توده ها، هر چه زودتر و هر چه فوری تر ضروری است، که جز با برنامه ریزی اقتصادی و عمرانی میسر نیست. این توده های میلیونی محروم، که زمین فرسشان و آسمان لحنانشان

سوی این، دگرگونی انقلابی در زندگی توده ها، هر چه زودتر و هر چه فوری تر ضروری است، که جز با برنامه ریزی اقتصادی و عمرانی میسر نیست. این توده های میلیونی محروم، که زمین فرسشان و آسمان لحنانشان

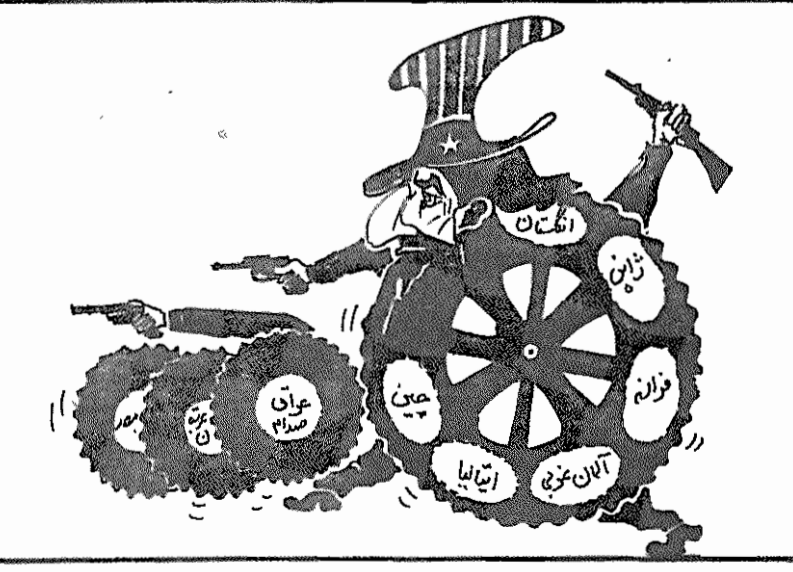
سوی این، دگرگونی انقلابی در زندگی توده ها، هر چه زودتر و هر چه فوری تر ضروری است، که جز با برنامه ریزی اقتصادی و عمرانی میسر نیست. این توده های میلیونی محروم، که زمین فرسشان و آسمان لحنانشان

سوی این، دگرگونی انقلابی در زندگی توده ها، هر چه زودتر و هر چه فوری تر ضروری است، که جز با برنامه ریزی اقتصادی و عمرانی میسر نیست. این توده های میلیونی محروم، که زمین فرسشان و آسمان لحنانشان

جنگ زندگان خسوزستان خواهان رسیدگی به مشکلاتشان هستند

عدمای از مردم جنگزده و خسوزستان ملی نامه های به مقامات مسئول کشور و مطبوعات خواستار رسیدگی جدی به وضع اهالی جنگزده خسوزستان، که در شهرستانهای مختلف پراکنده هستند، شدند.

آنها در نامه های فوق الذکر همچنین خواستار بکارگماردن کارکنان دولت و موسسات



در آستانه تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست کوبا:

آموزش کمونیستها  
وزحمتکشان در کوبا

« ما تنها هنگامی میتوانیم به هدفهای الوالی خویش دست یابیم، که فلاته به آموزش سیاسی - ایدئولوژیک زحمتکشان بپردازیم و آنها را به شرکت هشیارانه در این کارزار جلب کنیم. این رهشود «برنامه» مصوب در نخستین کنگره حزب کمونیست کوبا در پنج سال گذشته با مشکل پس متوجه، در گستره آموزش و پرورش کمونیستی بازتاب یافته است.

حزب کمونیست کوبا، روشنگری ایدئولوژیک - تبلیغاتی اعضا و هواداران و آموزش و تکمیل آموزش آنها را همواره یکی از مهم ترین وظایف خود تلقی کرده است. از اینرو چهارصد هزار کمونیست نخستین کشور سوسیالیستی قاره آمریکا، که برای ساختمان جامعه سوسیالیسم، در صف نخست جبهه میزنند، این شمار را برگزیده اند که: «آنجیه راه، که به آن می پردازیم، هشیارانه دریاب!»

برای پیشبرد این شمار، حزب کمونیست کوبا، از جمله، به ایجاد شبکه ای از مدارس حزبی دست زده است، که ساختار و برنامه شان بر پایه تجربیات غنی از احزاب برادر دیگر کشورهای سوسیالیستی استوار است.

«مدرسه ملی حزب»، بنام «نیکولویز» که مقر آن در هاوانا است، در شش استان دیگر نیز شمه دارد. «مدرسه نیکولویز» مهم ترین کانون آموزش کادرهای حزب کمونیست کوبا، بشمار میرود. در این مدرسه، مسئولان بلند پایه حزب و دولت در مرکز و در استانها، در یک دوره سه ماهه به آموزش آثار مارکس، انگلس و لینن و دوس فلسفه، اقتصاد سیاسی، تاریخ جنبش بین المللی کارگری و غیره می پردازند. برای کادرهای کینه زده ای حزب در شهرها، روستاها، کارخانه ها و موسسات، دوره های ۱۸ ماهه ای برای آموزش فلسفه و اقتصاد مارکسیستی در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، دوره های دوساله ای برای استادان موسسات آموزشی حزب کمونیست کوبا و سازمانهای توده ای و دوره های یکساله برای معلمان، پروپاگاندیستها و روزنامه نگاران وجود دارد. رفقای کوبایی همچنین تجربه بسیار پرباری از دوره های فشرده شش ماهه ای دارند، که مدیران کارخانه ها، روسای ادارات و دیگر مسئولان حزبی و دولتی در آنها به آموزش آثار کلاسیک های

مارکسیسم-لنینیسم می پردازند. در همه دوره ها، استادان کشورهای سوسیالیستی تجربیات کشور-هی خود را در زمینه تدریس در مدارس حزبی در اختیار رفقای کوبایی می گذارند.

پدیده ای است که در کوبا نیز، مانند دیگر کشورهای سوسیالیستی، تکمیل آموزش تنها وظیفه کادرهای بلند پایه حزبی نیست. آئین نامه حزب همه اعضا و کاندیداهای حزبی را فرا می خواند که بویسته به مطالعات خود ادامه دهند. اعضا و کاندیداهای حزب کمونیست کوبا وظیفه دارند که هر ساله در مسرکولوس د استودیو (محل مطالعه) شرکت کنند. سرپرستان این محفل ها، در سینه های ویژه ای، در مدرسه های حزبی خود را برای ایفای این وظیفه یرمسئولیت آماده میکنند. در «محفل های مطالعه» هم، مانند مدارس حزبی، مواد اصلی درسی را آثار کلاسیک های کمونیسم علمی تشکیل میدهد. بویژه در آستانه برگزاری دومین کنگره حزب کمونیست کوبا، مسائلی مانند قدرت حکومت، رهبری سابقه های تولیدی، برنامه لنینی جنبش تعاونی و دیگر احکام بنیادی در «محفل های مطالعه» تدریس میشود و مورد بحث قرار میگیرد و کاربست آنها در محل کار ابتکارات ارزنده ای را از سوی اعضا و هواداران حزب برای تدارک هرچه بهتر کنگره دوم بی می انگیزد. همچنین مصوبات حزب و دولت، اسناد رهبری و برنامه ریزی اقتصادی، مسائل سیاست بین المللی، چگونگی مقابله با تبلیغات زهر آکن دشمن، از دیگر موضوع های است که در «محفل های مطالعه» به آنها پرداخته میشود.

حزب کمونیست کوبا، با توجه به رویارویی جغرافیایی با امپریالیسم آمریکا، که همواره در راه مداخله در امور داخلی کوبا میکوشد، در روشنگری های توده ای - سیاسی خود برای تبلیغات پیشرفته و مستقل اهمیت خاص قائل است. جلسات حزبی در کارخانه ها و دیگر موسسات اغلب به مجلس بحث پرشور و سازنده پیرامون مسائل روز تبدیل میگردد. زحمتکشان انتظار دارند که به پرسش های آنها پاسخهای قانع کننده و مستدل داده شود. دوره های گوناگون مدارس حزبی وظیفه دارند که مسئولان را پسرای ایفای چنین نقش پر مسئولیتی آماده سازند.

لئونید برژنف:

سیاست اتحاد شوروی، دفاع از صلح و همکاری صلح آمیز با دیگر خلقهاست

مذاکرات لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی با ایندیرا گاندی نخست وزیر و دیگر رهبران هند با موفقیت در دلی نو جریان دارد. لئونید برژنف در جریان سیاقی که در دلی نو برپا شده بود، در سخنانی از جمله گفت:

«اتحاد شوروی اهمیت اساسی برای دوستی با هند قائل است، هند از محیط خاص ملت شوروی و رهبری آن برخوردار است و اتحاد شوروی دوست قابل اعتماد هند است.»

رهبر شوروی، ضمن ستایش از رهبری و شخصیت ایندیرا گاندی نخست وزیر هند و جواهر لعل نهرو، دوستی اتحاد شوروی و هند را نمونه دوستی جنبش غیرمتهد و اردوگاه سوسیالیستی خواند و گفت:

«این جبهه مشترک در مقابل نیروهای تجاوزکار امپریالیستی قرار گرفته و مانع فعالیت های این نیروها علیه آزادی و استقلال خلفها میشود. و این بویژه در دوران کنونی که محیط بین المللی وخیمتر شده است، اهمیت ویژه ای دارد.»

لئونید برژنف تأکید کرد: «سیاستمداران بانفوذی در غرب تصمیم گرفته اند به مسابقه تسلیحاتی دامن می زنند و بجای حفظ برابری، برتری نظامی بدست آورند و بجای گفت و شنود، میان طرفهای برابر و همکاری مته بلا سودمند، سیاست امر و نپی و شانناز را پیش گرفته اند و موفق شده اند در سالهای اخیر اوضاع جهانی را بیش از پیش به وخامت بکشانند.»



«مبارزان!» افغانی آب آشامیدنی مدارس را مسموم می کنند

خبرگزاری بخت افغانستان قلمانه اراجیف خبرگزاری های غربی را در این مورد که گویا در مه گذشته سرایان اتحاد شوروی در مدارس علیه دانش آموزان از گاز سمی استفاده کرده اند، دروغی بشماره خواند. خبرگزاری بخت اعلام کرد که در مه گذشته گروه های تروریستی، که در پاکستان پناه گرفته اند، تلاش کردند که جریان عادی آموزشی را در مدارس کابل برهم بزنند و برای رسیدن باین مقصود، منابع آب چند مدرسه را مسموم کردند و عده زیادی از دانش آموزان بر اثر این اقدام جنایتکارانه مسموم شدند. چنانچه که دست یابندگان زده بودند، بازداشت شده و دادگاه علنی به جنایات خود اعتراف کرده اند و این مدارک در همان تاریخ برای اطلاع همه منتشر شد.

خبرگزاری بخت اضافه کرد که اراجیف پخش شده بوسیله خبرگزاری یونایتد پرس، بر اثر زوزه و فریاد فاشی از ناراحتی ارتجاع جهانی و همدستان آن است، که شاهد اطمینان روزافزون خلق افغانستان به حکومتشان هستند.

خبرگزاری بخت همچنین یادآور شد که مردم افغانستان بخوبی از نقش نیروهای محدود اتحاد شوروی در نجات کشور آگاهند و این نیروها بپیچوجبه در رویدادهایی که رسانه های غربی ساخته و پرداخته اند، شرکت ندارند.

ادامه توطئه های آمریکا علیه انقلاب ایران: آمریکا ارسال اسلحه به مصر و اردن را انزایش می دهد

در بحبوحه تجاوز داروسته صدام حسین به ایران امپریالیسم آمریکا مزدوران خود را در منطقه تقویت می کند. پس از آنکه وزارت دفاع آمریکا رسا اعلام کرد که ارسال سار و برک نظامی به اردن افزایش و سرعت یافته است، روزنامه های قاهره نیز خبر دادند که آمریکا قول داده است در ارسال سلاحهای وعده داده شده به مصر نیز سرعت بخرج دهد. بنوشته روزنامه های قاهره قرار است که آمریکا تعدادی از تانکهای مدرن ام-۶۰ به مصر را قبل از موعد مقرر تحویل دهد. همچنین قرار است که ارسال هواپیماهای اف-۱۶ به مصر نیز تسریع شود.

توطئه سیا برای کودتا در کاستاریکا

گزارشهایی که از کاستاریکا به مکزیکو میرسد، حاکی از آنست که اوضاع این کشور در روزهای اخیر، بر اثر تشدید فعالیت نیروهای ارتجاعی کشور، بشدت وخیم شده است. در مکزیکو عقیده بر این است که ارتجاع در کاستاریکا اوضاع را بطرف یک کودتای ارتجاعی دست راستی پیش می برد. اولیکازشی مجلسی سازمانهای تروریستی و افراد فراری رژیم سوموزا را، که از یکبارا گرفته قرار کرده اند، بعنوان ابزار اصلی خود مورد استفاده قرار میدهد.

بموجب بیانیه حزب پیشاهنگ خلق کاستاریکا، حدود سیصد تن از افراد گارد ملی فراری سوموزا، دیکتاتور معدوم نیکاراگوئه، در کاستاریکا جمع شده اند و اخیرا برادر سوموزا، با نام مستعار، وارد این کشور شده است. توطئه کنندگان قصد دارند که دولت قانونی کشور را سرنگون کنند، پارلمان را منحل سازند، قانون اساسی را منحل گذارند و در کشور دیکتاتوری برقرار کنند. گزارشها حاکی از آنستکه توطئه کنندگان بسا سازمان جاسوسی «سیا»، ارتباط نزدیک دارند.

برژنف افزود: «سؤال اصلی اینست که: اوضاع چه مسیری را طی می کند؟ اگر این منعی، و یا صریحتر گفته شود، این منی خطرناک ادامه یابد، صلح شدیداً به خطر می افتد، ولی اگر قتل سلیم حکمفرما شود، یک سیاست سازنده، که با آمل و آرزوهای همه خلقها و کشورها در یک جهت خواهد بود، راه فردا را باز خواهد کرد.»

برژنف گفت: «اما در مورد اتحاد شوروی، باید بگوئیم که سیاست ما اصولی است و ما همواره آماده ایم درباره هر مسئله با روح واقع گرایی و بحساب آوردن منافع و حقوق حقه دیگران مذاکره کنیم.»

رهبر اتحاد شوروی تأکید کرد که: «کشورهای بعضی دور سر گرداندن شمشیر و تلاش برای تحویل اراده به دیگر ملتها نیست. چنین سیاستی در گذشته بارها بکار گرفته شده و نتیجه آن نیز بظویی روشن است. همچنین کشورداری بمنزله تلاش برای کسب امتیازات یکجانبه به زبان خلق-های دیگر نیست. سیاست اتحاد شوروی، دفاع از صلح و همکاری صلح آمیز با دیگر خلقهاست، بدون آنکه به تحریکات و شانناز تسلیم شویم.»

هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی نتایج کنفرانس رهبران حزبی و دولتی کشورهای عضو پیمان ورشو را تأیید کرد

هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی، نتایج کنفرانس رهبران حزبی و دولتی کشورهای عضو پیمان ورشو در مسکو را بررسی و مورد تأیید قرار داد. هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی کاملاً با برآورد اوضاع بین المللی، که در اجلاس مسکو بعمل آمد، هم عقیده است. هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی ابراز اعتماد کرد که حزب کارگری متحد لهستان، طبقه کارگر و مردم این کشور، بر بحران اقتصادی و سیاسی پیچیده کشور بفع تحکیم سوسیالیسم پیروز خواهند شد و جمهوری توده ای لهستان حلقه نیرومند جامعه سوسیالیستی خواهد بود، و در این شرایط، لهستان سوسیالیستی می تواند روی همبستگی و حمایت چکسلواکی حساب کند.

رئیس جمهوری سوریه: پیمان همکاری سوریه و اتحاد شوروی در جهت منافع همه اعراب است

حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه، در مصاحبه با روزنامه کویتی «الرای العام»، ضمن حمایت قاطع از انقلاب ایران، از جمله گفت: «معاهده دوستی و همکاری سوریه با اتحاد شوروی در جهت منافع همه اعراب است.»

رئیس جمهوری سوریه تأکید کرد: «تحوالات در خاورمیانه در مسیر خطرناکی پیش می رود و امپریالیسم آمریکا، با تکیه های نظامی خود را در منطقه افزایش میدهد. در همین حال سوسیالیسم نیز بر تجاوزات خود علیه اعراب افزوده است.»

حافظ اسد تأکید کرد: «رژیم خانن سادات جبهه اعراب را ترک کرده است و در پرتو این تحولات است که معاهده دوستی و همکاری سوریه با اتحاد شوروی از اهمیت بسیار اساسی برخوردار است.»

دبیر کل حزب کمونیست هند: اتحاد سه جانبه آمریکا - پاکستان - چین تهدیدلی علیه منافع هند است

رائو، دبیر کل کنگره ملی حزب کمونیست هند، اتحاد سه جانبه امپریالیسم آمریکا، رژیم دست نشانده ضیاع الحق در پاکستان و برتری - طلبان پکن را تهدیدی علیه منافع هند خواند. رائو افزود: «رژیم پاکستان نیروهای خود را در مرز هند افزایش داده و خرابکار بداخل خاک هندوستان می فرستد. چین نیز در ایالت های شمال شرقی هند، عوامل تجزیه طلب را آموزش و سلاح در اختیار آنها قرار میدهد.»

به توصیه سازمان سیا: رادیسوهای «اروپای آزاد» و «آزادی» علیه اشغالستان انقلابی نیز بر نامه پخش خواهند کرد

توطئه ها و تحریکات امپریالیسم آمریکا علیه افغانستان همچنان ادامه دارد. به گزارش روزنامه آمریکایی واشنگتن استاره فراست ایستگاههای رادیویی باصطلاح «اروپای آزاد» و «آزادی» برنامه هایی به زبان پشتو پخش کنند. در مورد این ایستگاههای رادیویی، حتی خود زمامداران آمریکایی اعتراف کرده اند که بوسیله سازمان جاسوسی سیا اداره می شوند.

پراودا، سخنان نخست وزیر سابق هند را «کذب محض» خواند

روزنامه پراودا ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، سخنانی را که چند روزنامه هندی از قول موواجی دسای، نخست وزیر سابق هند، منتشر کرده اند و طی آن ادعا شده بود که گویا اتحاد شوروی در زمان نخست وزیر وی پیشنهاد حمله به پاکستان و «درس» دادن به این کشور را کرده بود، «کذب محض» خواند. پراودا نوشت:

«هدف این سخنان تأمین منافع محافل معاندی در هند است که با دوستی هند و اتحاد شوروی مخالف هستند.» لازم به تذکر است که در این مورد، وزیر خارجه هند نیز سخنان دسای را دروغی و فحاشانه خواند و نمایندگان کمونیست در پارلمان هند نیز این سخنان را شدیداً محکوم کردند. همچنین نمایندگان عضو حزب خانم گاندی نیز «نفرت» خود را از این سخنان ابراز کردند.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

کاخ بیدولابین کدم خانم غریب لاسیم اربابو

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان! ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چیلین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما میزمنیم. کمک مالی خود را به نام رضا شلکوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپید قرنی شمالی بپردازید. توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

از قزوین	۵۰۰۰ ریال
خانم کوکب	یک سکه ربعی
خ.ن. از نوشهر	۱۰۰۰۰ ریال
یکی از هواداران حزب از جالوس	۱۱۰۰ ریال
سیدی الف	۱۰۳۶۵۰ ریال
نیروند	۳۰۰۰۰ ریال
سازمان حزب توده ایران در شهرسا	۵۰۰۰۰ ریال
سازمان حزب توده ایران در بروجن	۳۰۰۰۰ ریال
هواداران حزب در خواجه نفس (بندر ترکمن)	۵۰۰۰ ریال
یکی از هواداران در بندرگز	۱۲۰۰۰ ریال
سازمان حزب در کرمانشان	۱۰۰۰۰۰۰ ریال
پیروز	۷۰۰۰۰ ریال
آقای م. س.	۱۰۰۰۰ ریال
در میهمانی پیوند بابا و زیبا، گردآوری شده توسط مژده کوچولو	۴۴۰۰ ریال
قاسم ق	۲۰۰۰۰ ریال
معدنچیان سمیرم	۲۰۰۰۰ ریال
کیوان	۲۰۰۰ ریال

تصحیح در مقاله «لیبرالیسم، دیروز و امروز»، مندرج در شماره ۳۹۰ نامه «مردم»، صفحه ۵، ستون ۴، در سطر ۴۳، یک جمله افتاده است. سطر ۴۳ به ترتیب زیر است: «...فرانکو، توده های خلق و شرکت فعال داشتند، ولی هدف و رهبری جنبش بودژوایی بود. رژیم فرانکو در...»

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

حیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 391 10 December 1980

Price: West-Germany 0.80 DM

France 2 Fr.

Austria 8 Sch.

England 20 P.

Belgium 10 Fr.

Italy 350 L.

U.S.A. 40 Cts

Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴ پستی تهران